

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

تسلیم رژیم به قطعنامه ۵۹۸ پیروزی بزرگ مردم

امروز دوشنبه ۲۷ تیرماه، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی اعلام شد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) با شور و شوق بسیار، در هم گسسته شدن مواضع جنگ افروزان سران رژیم، تسلیم آنان به راه و خواست خلق قهرمان ایران و گشوده شدن چشم انداز صلح میان ایران و عراق میبماند تبریک میگوید. اکنون پس از ۸ سال ادا همفاجعه جنگ و شش سال پس از خروج قوای متجاوز عراقی از خاک میهن ما، پس از برپا شدن در فتن جان و بیش از یک میلیون انسان بیگناه از دوش کشور، پس از آنهمه عیب و نارساییها و نارساییهای آن رژیم، پس از زوری میدانهای مین و پس از آنهمه سیمایان و موشک زدهای جنون آمیز، پس از قربانی شدن هزاران نفر در جنگ شیمیایی، سرانجام رژیم جنایتکار خمینی در برابر راه و خواست مردم رنج دیده ایران و عراق و همه محافل صلح طلب جهان، به پذیرش آتش بس بی قید و شرط گردن گذاشت. احساس تمام مردم ما، امروز از یک سو احساس شادی و سرور و به خاطر گشوده شدن راه صلح و از سوی دیگر، احساس خشم و نفرت از رژیم به خاطر این همه درد و مصیبت بیبोधه ای است که به مردم تحمیل کرده است. مصائبی که با عقل سلیم و ذره ای احساس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و کشور، جلوگیری از آنها کاملاً امکان پذیر بود. اکنون سران رژیم با دیدن این رخداد که جراح خون مدتها هزار جوان را بر خاک ریخته اند؟ چرا ۸ سال، بیبोधه این جنگ را ادامه دادند؟ چرا یک سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ امتناع کردند؟

آدمها چنگ بزرگ ترین خیانت غیرقابل بخشش خمینی و همدستانش علیه مردم ایران است. مردم کسانی را که در تحمیل این فاجعه دردناک به کشور دست داشتند، هرگز نخواهند بخشود. مردم در شرف فتح شدن ایران! رژیم گمراه و زبون رژیم در روزی که در بدترین وضعیت خود به قطعنامه آتش بس گردن گذاشته است، اما هنوز کلاً تسلیم خواست شما برای برقراری فوری صلح نشده است. هنیار با شیم و با اعمال فشار بیشتر مانع از آن شویم که این رژیم پلید و صدام جنایتکار با رادیکال و موشک و خمپاره را نصیب شهرها و روستاهای زیبای و دکنور سازند.

فدائیان خلق ایران همچنان تا کید می کنند که شعرا صلح همچنان عمده ترین و مبرم ترین شعار و خواست عموم مردم ما است. با دیدن گسسته شدن و تا به آخر در راه برقراری صلح کامل و پایداری میان دو کشور بیگانه کنیم. نباید اجازه دهیم رژیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را وسیله ترمیم ما شین جنگی خود قرار دهد. باید بلافاصله آتش بس اعلام شود. با دیاست دفع الوقت که از جانب رژیم دنبال شده و می شود را افشا و رسوا کرد.

هم میماند عزیز! رژیم ولایت فقیر رژیم بدون آینده است. خمینی که این فلاکت اقتصادی و اجتماعی را بر سر مین ما مستولی کرده است، اکنون که راه گسسته را در پیش دارد، میگوید عمل خود را گردن نشناختی گرد آورد و بقای رژیم را ممکن سازد. خمینی که عظیم ترین ثروت های ملی ما را در کشور جنایتکار سوزانید، اکنون از این رویه قطع صلح جنگ تن داده که می بیند عدم قطع صلح، هم در کشور ما و هم در جهان نیروهای با زهم وسیع تری را علیه آن بسیج میکند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) تا کید می کند که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم، یک پیروزی بزرگ برای مردم ما و همه نیروهای صلح دوست جهان، و یک عقب نشینی بزرگ در مقابل مردم زسوی رژیم است. باید این پیروزی بزرگ را جشن گرفت و آن را به هر مصلحتی نیرومند برای استقرار صلح پایدار و ادا همپیکار علیه این رژیم منفور، برای سرنگونی آن تبدیل کرد. ما در یک سال و نیم گذشته مکرراً تا کید کرده ایم بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

مردم ایران و عراق خواهان برقراری فوری وبدون قید و شرط آتش بس هستند

* مردم میهنمان در تمام جنتا بتکارانه صدام به داخل مرزهای غربی کشور ما را با نفرت و انزجار می نگرند. * رژیم خمینی برای توجیه جنایات جنگی خود و صیاحا رخصم و نفرت مردم، از نشرات های جنگی صدام بهره میگیرد.

دیگر سران رژیم نیز برای تیرنه خود و پنهان کردن نتایج فاجعه بار تا خیریک ساله در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت میگویند از این شرارت ها به سود خود بهره بگیرند. آنها در تمام جنتا بتکارانه صدام میبمانند تا از جنتا بتکارانه صدام به سود خود بهره بگیرند. آنها در تمام جنتا بتکارانه صدام میبمانند تا از جنتا بتکارانه صدام به سود خود بهره بگیرند. آنها در تمام جنتا بتکارانه صدام میبمانند تا از جنتا بتکارانه صدام به سود خود بهره بگیرند.

هم میماند عزیز! بر اثر جنایات جنایتکارانه رژیم صدام در داخل مرزهای غربی کشور ما و اقدام رژیم جنایتکار خمینی به بسیج و گسیل نیروهای تازه نفس به میدان های جنگ، شمار دیگری از مردم دو کشور همسایه ایران و عراق به خاک و خون در غلطیده اند. تنها جنتا بتکارانه صدام که در جستجوی امتیاز و برتری در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در عراق و عرب است، پیروزی بزرگ شما در ادا آتش بس خمینی جنگ طلب به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شوروی امنیت را در معرض خطر قرار می دهد. اکنون خمینی و

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافربری

ص ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

درباره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

ص ۳

کتاب در تجدید رابطه با غرب

طی ماهی که گذشت، روند "عادی سازی" رابطه رژیم اسلامی با "دنیا" استیکار "کتاب با زهم بیشتری گرفت. رابطه با فرانسه و کانادا در سطح سفارت احیا شد و در رابطه با انگلیس، اگرچه موانع هنوز به طور کامل برطرف نشده، اما ماگامهای جدی و موفقی برداشته شده و با آمریکا نیز زمینه چینی های لازم برای رفع کدورت ها و اختلافات ادا می دارد.

سیاست خارجی همواره یکی از عرصه های و کشمکش میان جنتا بتکارانه حکومتی بوده است. زمانی وزیر خارجه با دورزدن نخست وزیر، با رئیس جمهور رابطه برقراری کرد و زمانی دیگر نخست وزیر با نشان دادن این بیان و موافقت خود بر سران هوا پیمای، وزیر خارجه را دور می زد. گاه رئیس مجلس انفرادی و دولت و وزارت خارجه پروا نمی کرد و گاه "بیت قائم مقام مرهبری" با پروبال دادن به "نهت ها" و شعار رابطه میان ملت ما اصل است، نه بین دولت ها، در کار دولت موش می داند.

در آغاز بهای یکنونه "تا هما هنگی" بهیای جنتا بتکارانه نمی شد و قطعنامه ها و محمد منتظری ها هر گدا می زود می زدند. اما رفته رفته کسبه توده های مردم به ما هیت رژیم فقها پی بردند و در نتیجه جنگ، عظمت طللی و شیکاری رفقا، اعتماد مردم نسبت به رژیم به تدریج زایل شد و بیحسبران سرپای "نظام" را فرار گرفت، داشتن حساب خرج و دخل یکدیگر از جمله درسیاست خارجی، اهمیت بیشتری یافت و سران رژیم نسبت به نا هما هنگی در این عرصه حساسیت بیشتری نشان دادند. علاوه بر این ها شدید و تحکیم جنتا بتکارانه در حکومت پدید آمدن توازن در میان جنتا بتکارانه، آنها را به سوی "بارگیزی" در عرصه بین المللی سوق داد و کار به جایی رسید که بقیه در ص ۲

اعتراف تلخ نراز زهر

تا کما می رژیم در بسیج و گسیل گسترده مردم به جبهه ها، شکست سیاست های جنگ طلبانه ما و جراحی رژیم خمینی و بحران گسترده اقتصادی - اجتماعی و حکومتی، سرانجام مردم داران رژیم را وادار ساخت تا در ضعیف ترین موقعیت ها، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرند. خمینی که مسئول درجه اول ادا هما این جنگ و کشتاری سابقه بسوده است، طی پیامی محظوظ سیاست های جنگی رژیم خود را اعلام داشت و برای حفظ جمهوری اسلامی و بسده خاطر "مصالح نظام" "تاج زهری" را که ما نا اعتراف تلخ به شکست و تسلیم در برابر راه مردم بسود، سرگشاید.

سیاست خارجی ارتجاعی رژیم خمینی که همه مناسبات و روابط بین المللی خود را در خدمت جنگ و در رابطه با جنگ تنظیم نموده بود، و سیاست های ما جراحی و با نه و شنج فریبی رژیم در سطح نارس که زمینه ساز طللی خورنظامی وسیع آمریکا و متحدانش در این منطقه گردید، جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان منزوی تر کرد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب رژیم، با توجه به اینکه آتش بس فوری قطع جنگ در راس موارد است، با همه پیش شرطهای خمینی برای ادامه جنگ مغایر بوده و در واقع شکستی برای سیاست های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی بسود. واکنش جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه ۵۹۸ دفع الوقت بود. رژیم از یک سو پذیرش قطعنامه را مغایر با اهداف و سیاست های جنگی اعلام شده خود می دید، از سوی دیگر نمی توانست نسبت به افکار عمومی جهان، انزوی سیاسی که افکار میکانیکات تهیه سلاح، بی تفاوتی باشد. واقعیت آن است که در آن زمان هنوز سران جمهوری اسلامی امید خود را به دستیابی به اهداف جنگ به گونه ای که فرار باشد، کشتار و رویرانی ناشی از جنگ افروزی خود را برای مردم توجیه کنند، از دست نداده بودند.

"نذار بر" و جاره اندیشی های خمینی در ما های اخیر، به ویژه انتخاب رفسنجانی بسده جانشینی فرمانده کل قوا، از تصمیمات مهمی بوده که خمینی و همدستانش، از جمله، به منظور آماده سازی اوضاع برای حفظ رژیم پس از مرگ خمینی اتخاذ کردند. این تمهیدات با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حرکت رژیم در جهت تعیین تکلیف جنگ از سوی سران

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج. ل. ا. ش. طراحى چهره نوین سوسیالیسم

ص ۹

در این شماره

- مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ ص ۵
زهری که خمینی یکام مردم مرگ ص ۶
انوش، در آخرین آورده گاه ص ۴
درباره تبلیغات (۷) ص ۷
کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی ص ۸
اجلاس مهم سران کشورهای عضو پیمان ورشو ص ۲

تسلیم رژیم به ...
 که امکانات رژیم در جنگ، مستمرا محدود و محدودتر شده و اما مدتها ز مدت جنگ دیگر غیر ممکن شده است. بر این اساس پیش بینی می شود که رژیم تسلیم مردم شود و عملاً از ادامه جنگ با زماندا، اما اینکها امروز رژیم به ناکامی و شتاب زده پذیرش قطعنامه را اعلام می کند، به در هم ریختگی وضع رژیم و به روند انتقال قدرت به جانشین خمینی و نیز به شکست های سنگین در جبهه ها مربوط می شود.

مردم میهن دوست ایران!
 زمانی بود که رژیم متجاوز و ظالم عراق از "قاسم سلیمانی" و رژیم جنون زده خمینی از فتح کربلا و قدس دمی زدند. اما تلاش و ایستادگی مردم و کشور فعلیت و نقش محافل صلح دوست و مجامع بین المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، سرانجام به پیروزی خود و اقبالیتهای برای برجهل و تجاوزگری یاری رسانیدند و رژیم های فاسد کاپر هر دو کشور را وادار ساخت که از اذیت و محناییت منصرف شوند و اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را مورد تأیید قرار دهند.

سیرو پیدا دهان نشان می دهد که سازمان ملل متحد می تواند دوباره بدرخل و فصل منازعات بین المللی و اراشه و حل های مبتنی بر خرد و واقع بینی نقش روز افزون به عهده گیرد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از

مردم ایران و عراق ...

بقیه از صفحه اول
 در هشت سال گذشته، مردم و کشور همسوارانه قربانیان سیاست های ماجراجویانه و جنایتکارانه دوزخ رژیم خمینی و صدام بوده اند. حاصل این سیاست ها مرگ و ویرانی برای مردم دو کشور ایران و عراق بوده است. اکنون چهره ضد مردمی و جنایتکارانه سران دوزخ رژیم به این شکل جلوه گر شده است که روزی آن جنگ و ویرانی را با زهم به تعویق اندازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هرگونه تحلیل و دفع الوقت در برقراری آتش بس بدون قید و شرط و اخلاص در اجرای قطعنامه ۵۹۸ را قویا محکوم می کند. ما از هم میهنان خود می طلبیم که به بسیج و فراخوان های جنگی رژیم خمینی پاسخ نه بگویند، از شرکت در جبهه ها خودداری نمایند و از زنده نهدن بدیش از این رژیم خمینی مرگ و ویرانی را بر مردم و میهن ما تحمیل نکنند.

ما از مردم و همه محافل ترقی خواه عراق نیز طلب می کنیم که تنها جماعت جنگی رژیم صدام را محکوم کنند و نتوانند از صدام ما ماجراجوشی های شیرانه و

تلاش های دیوبکرک سازمان ملل متحد و شورای امنیت دروا قطع فوری جنگ ایران و عراق فعلی است. حمایت می کند. فدائیان خلق ایران، خواهان ادا به پیگیری نهگوش های سازمان ملل متحد برای برقراری فوری صلح میان دو کشور و حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی است.

هم وطنان گرامی!
 ما همواره تا کید کرده ایم که حضور و مدافعت خلیه نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدینش تا توشی آن در منطقه خلیج فارس نه تنها کمکی به صلح نمی کند، بلکه فقط به تشنج و فجاجع بیشتر که سقوط استقراری و هوایی مسافری ایران، آخرین نمونه آن بود، کمک خواهد کرد.

فدائیان خلق از سازمان ملل متحد و از همه مجامع بین المللی و از تمام دولت های خواهنده نقض قطعنامه ۵۹۸ توسط آمریکا حضورنا و گمان آمریکا شی در خلیج فارس را محکوم کنند و دولت ریگان را برای خروج فوری قوای خود از منطقه تحت فشار بگذارند.

هم میهنان عزیز!
 اکنون به نیروی استقامت شما و حمایت وسیع جهانیان غیریت جنگ نفس های آخر می کشند. فدائیان خلق که تا مین صلح را مهم ترین وظیفه ملی و میهنی خود می دانند، امروز با شادی بسیار

تشبیهات خود، برقراری بی قید و شرط و بلا درنگ آتش بس را با مانع و برپوسا زد. مردم ایران و عراق اجازه نخواهند داد که سران دوزخ رژیم به تعویق این ترفند و پنهان های صبح فرخنده صلح را به تعویق اندازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شرایط حساس، همه مردم صلح دوست کشور و کلیه محافل صلح خواه ایران و عراق و مجامع صلح طلب سران سرچنان را فرا می خواند که با محکوم ساختن تهاجمات جنگی رژیم صدام و بر حذر داشتن رژیم خمینی از توسل به تشبیهاتی که اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را با وقفه و برپوسا سازد، به امر استقراری صلح با پیدار میان دو کشور ایران و عراق کمک می قطعی در راه صلح و سیاست تشنج فزاینده امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ما و به سود تحکیم صلح در جهان امروز است، بیش از پیش صاعدت نمایند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در این لحظات حساس که مبارزات مردم ایران و تلاش های بیگنیرانه مجامع صلح دوست جهان، رژیم جنایتکار خمینی را وادار به پذیرش

ابن بیروزی بزرگ برکنگ طلعی خمینی را گرامی داشته و میباید قسرتنگ با خلق ایران بسیاری را بر ما آخرین نفس در راه ها شای خلق زحمتکش ایران را تکرار می کنند.

هم میهنان مبارزان!
 مطمئن باشید که امروز شما را هدایت می یابد صلح را همچو ارگوده اید، راه رسیدن به ایرانی آباد، مدافع صلح و دمکراتیک و مستقل را نیز با هم گورسیدن خمینی و رژیمش همسوار خواهید کرد.

زنده باد صلح، زنده باد جنگی هرچه مستحکم تر باشد اتحاد گسترده همه نیروها شای که برای ساختن ایرانی صلح آمیز، دمکراتیک و مستقل مبارزه می کنند

سرتنگون با رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ساخته است، با رد دیگر از شریت صلح دوست، از همه مجامع و محافل بین المللی و به ویژه از دبیرکل سازمان ملل متحد می طلبیم، با بسیج همه مکاناتی که در اختیار ما دارند، در گوناگونترین زمانی که امکان پذیر است، تمهیدات و تخصیص های لازم جهت برقراری بی قید و شرط آتش بس میان دو کشور ایران و عراق را فراهم آورند.

مردم ایران و عراق خواهان صلح با پیدارند. برقراری فوری و بدون قید و شرط آتش بس در تمام خطوط جبهه ها و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ مهم ترین خواست مردم ما است. جنگ با پیدافورا در تمام جبهه ها قطع شود و نیروهای دوطرف با بدبر سر مرز جبهه های بیابانی با زگردند.

زنده باد صلح، مرگ و ویرانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول مرداد ۱۳۶۷

اجلاس مهم سران کشورهای عضو پیمان ورشو

روزهای ۲۵-۲۶ تیرماه در ورشو پایتخت لهستان اجتماع مهم کمیته های سیاسی شورای کشورهای عضو پیمان ورشو (اتحاد شوروی - آلمان دمکراتیک - بلغارستان - رومانی - لهستان - مجارستان) که رهبران این کشورها هیئت های نمایندگی را سرپرستی می کردند، تشکیل گردید. در پایان اجلاس در ورشو اعلامیه ای پیرامون مهم ترین مسائل جهان و منطقه اروپا اظهار نظر گردید.

در این اعلامیه آمده است که، گرا پیمان تعیین مساعدی که در روابط شرق و غرب پدید آمده است سبب تخفیف رویا رویی ها و تقویت ارتباط متقابل گردیده و در نتیجه شرایط مناسب تری برای همسایر مسابقه تسلیحاتی، کاهش هزینه های جنگی و حمل و نقل در کیریهای منطقه ای به وجود آمده است.

البته این در حالی است که هنوز تا به وجود آمدن تحول ریشه ای برای بهتر شدن اوضاع راه طولانی تری در پیش است و خطرناک بودی بشریت و زندگی هنوز مرتفع نشده است. در این رابطه اجتماع سران کشورهای عضو پیمان ورشو هم کشورهای را فرا خواند که برای تحکیم صلح و امنیت و تحقق صلح فراهم آوردن جو مساعدتری برای بحث و گفتگوهای وسیع و دمکراتیک کردن زندگی بین المللی مساعی بیشتری به عمل آورند.

اجلاس ضرورت اولویت ارزش های عمووم بشری در رابطه بین همه دولت ها تا کید دوزخ و از قوت اجزای یافتن قرارداد شوروی و آمریکا در باره محو موشکهای میان برد کوتاه به رده هسته ای استقبال نموده و در عین حال از اقداماتی که از هم اکنون در برخی کشورهای در دست اجرا است و می تواند روندهای تسلیحاتی را با دشواری مواجهه کند و صلح را متعاند کند، ابراز نگرانی کرد. لازم به یادآوری است که برنام "جبران سازی از طریق افزایش و مدرنیزه کردن وسیع تسلیحات که در جریان

و پس از آنقا دقرا ردا های شوروی و آمریکا به راه افتاد است، چنین احساس خطر و نگرانی را موجب شده است.

رهبران کشورهای پیمان ورشو در این اجلاس خواهان بالابردن شمر بخشی سازمان ملل متحد و ارگانهای عالی و نقش دبیرکل آن در حل مناقشات بین دولت ها از راه مذاکرات و میا نجی گیری شدند. از جمله در اعلامیه های این اجلاس تصریح گردیده است که در اوضاع کنونی، رعایت و تحقیق حقوق بشر و روشها و همکاری بین المللی در عرصه های بشردوستانه اهمیت ویژه ای دارد. کشورهای میزبیر این اعتقادند که باید تلاش نمود تا حقوق بشر در کار روز زندگی، در شرایط صلح و آزادی و تحقیق کامل حقوق سیاسی، تبادل فرهنگی در رابطه متقابل کشورهای با رعایت اصل عدم دخالت در امور داخلی بدهیگر، تا مین گردد.

اجلاس یک بار دیگر بر تغییر ناپذیری موضع کشورهای شرکت کننده در مورد انحلال همزمان اتحادیه های نظامی تا توور شود تأکید ورزید.

رهبران کشورهای عضو پیمان ورشو، سند مهم جداگانه ای در باره مذاکره بر سر کاهش نیروهای مسلح و سلاح های عادی در اروپا به تدریج و طی مراحل مختلف، انتشار دادند و پیشنها خود را برای شروع مذاکرات مستقیم بین دولت های عضو پیمان نا توور شور بر سر تائید نگه داشتن کاهش هزینه های نظامی برای مدت یک تا دو سال و خودداری متقابل از افزایش این هزینه ها اعلام داشتند.

شتاب در ...
 ریخا رمورنی نماینده ریگان در خا و رمینا نه اعلام نمود که "دولت آمریکا با کسانی که خود را نمایندگان جناح های گوناگون در ایران معرفی می کنند، وارد مذاکره نخواهد شد" (رادایو آمریکا ۱۵/۴/۶۷). بر سر چنین اوضاع اسفباری، وقتیمی دا رودستر فنجانی تصمیم گرفت که با ارائه یک سیاست خارجی "معقول" حمایت آمریکا و مقدم بر آن، حمایت متحدان ناتوی آمریکا را جلب نماید، خود را با موانعی مواجه دید و برای بر طرف کردن آنها با ردیگرند به دان خمینی شد: ولایتی طی نامه ای از عنا صر غیر مسئولی که در مورسیاست خود را جی مداخله می کنند، تگوه کرد و خمینی در پاسخ آن "عنا صر مسئول" را از مداخله منع نمود و به این ترتیب راه برای پیشبرد سیاست تازه، تساهلی که تخیخ خمینی برایش داشت، هموار شد. از آن پس احیای سیاست نا برابری دولت های امپریالیستی شتاب گرفت.

این شتاب که جلوه ای است از شکاف فزاینده میان رژیم و توده های مردم، در عین حال بیانگر تلاش رژیم جهت خلاصی از انزوا ی سیاسی به قیمت پایداری کردن بیش از پیش منافع ملی مردم ما است. بی جهت نیست که رژیم برای تسریع این روند، نه تنها از طرح برخی از ادعاها و توقعات بدین خود در مقابل این کشورها صرف نظر کرده، بلکه اشتباهی آنها را نیز با برخی وعده های مساعد تحریک کرده است.

مهم ترین و آخرین گام در روند جدید و رابطه خا رچی رژیم، گوش در جهت بهره گیری هر چه بیشتر از امکانات مساعدی است که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در رابطه با آمریکا پدید آمده است. هر چند این گام، بدون تشنج در نیروهای کام برداشته نخواهد بود و سیری دشوار رو کند خواهد داشت. اما به هر حال روندی که از مدت ها پیش آغاز شده و اینک شتاب گرفته است، در جهت تحدید دام فزون استقلال سیاسی گسترش خواهد یافت

آدرس
 P.O. Box 1091 WIEN AUSTRIA
 حساب بانکی
 AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام ناجوانانمردانه گروهی دیگر از زندانیان سیاسی را با خشم و نفرت محکوم می کنیم

هم میهنان!
در سرگناه ۲۹ تیرماه ۱۳۴۷ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با ردیگرهفت تن از فرزندان سرافرازان قهرمان و دلورشان را اعدام کرده. تاکنون نسنگام افتخار آفرین چهارتن از این شهیدان خلسلق معلوم شده است.
فدائیان خلق، رفیق قهرمان فرامرز موفسی، از کادرهای برجسته سازمان ما، و رفقا سعید ذرینگ میا زربسا بقیه، مقاروم ثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، کیومرث زرنشاس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام شده گمان هستند. آنها سالها در اسارت جمهوری اسلامی بودند، شکنجه های وحشیانه رژیم را تحمل کردند و سرانجام آن در دره پیمان نیا شدند.
رژیم جنا پیتکا رخمینی که بحران تریستن روزهای عمر خود را می گذراند، کجسرا نه و تپیکاران را از مردم انتقام می گیرد. سران جنا پیتکا جمهوری اسلامی بنا بر این خفا خوش گردن فریاد طلبی و

اعدا مزندان نیا ن سیاسی را محکوم کنید. ا جازه ندهید تا جان نیا ن حاکم پیش از این خون فرزندان شما را بریزند. ا جازه ندهید تا میهن پرستان و آزادیخواهان به شکنجه و صلابه کشیده شوند.
نیروهای مبارز و آزادیخواه!

علیه تروریسم رخمینی، علیه وحشیگری بی باقیه رژیم فقیها، برای نجات جان زندانیان سیاسی، برای دفاع از اهداف شریف و انسانی یا ران در بند خود، برای همکاری و همیاری با خاواده های زندانیان سیاسی، برای بسج خلق علیه ترور و اختناق، متحد شویم. اقدامات مشترک را برای نجات جان زندانیان سیاسی با زمان دهیم.

هم میهنان عزیز!
ایمان داریم که رژیم تپیکار جمهوری اسلامی با توسل به چنین جنایت ها ئی قا در نیت بسر ارا ده مردم میهن ما غلبه کند. رژیم بنا جنا پیت و سفاکی های خود، مرگ خویش را نزدیک تر خواهد کرد.

درویدیکران بر شهیدان خلسلق ننگ و نفرت بر جلادان حاکم بر ایران سرتگون با در رژیم جنا پیتکار جمهوری سلا می کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ تیرماه ۱۳۴۷

آزادخواهی مردم، و برای رها نیدن گریبان خود از طوفان خشم خلق، به شهیکار ریپای مذبحوحانسه متوسل شدند.

در شرایطی که خمینی جنگ طلب در مقابل اراده مردم به زانو افتاد و تسلیم شده، در شرایطی که سیاست های رژیم در همه عرصه ها با بن بست مواجه شده و میلگ تریستن بحران ها گریبان او را گرفته است، خمینی و همدستانش برای حفظ رژیم خود پسه سرکوب شدت بخشیده و از زندانیان و اسیران انتقام می گیرند.

اعدام های گروهی میهن پرستان در بند و تدارک اعدام های مخفیانه گروه های دیگر از فرزندان دلور و میا زربسا زردم، نشانه وحشت این رژیم بی آینده از سر نوشت خویش است. آنها از انتقام مردم می ترسند. آنها از قهرمانان در بند که بر سر پیمان خود با مردم ایستاده اند، هراس دارند.

اطلاعات دیگری حاکی از آن است که حکما اعدام ۵۵ تن دیگر از فرزندان دلور مردم ایران کتده در سیه ا جالهای جمهوری اسلامی به سر می برنند، در بیادگان های رژیم تپیتکا شده است.

نگ بسیار از فرزندان اسیر شما در خطر جدی است. رژیم تپیکار رخمینی قسرها دارد زندانیان سیاسی را گروه گروه، بی سرو صدا سر بسد نیست کند. علیه این تپیکار ریپا به یا خیزید، شکنجه و

از احساسات فدا میکانی مردم ایران برای اجرای برتا مهای خونخیزی شان هشدار می دهد. محکوم شناختن اقدام فدا نانی امریکا نمی تواند نوسیا بد برای سیاست های جنگ افروزان رژیم جنگ پرست خمینی که زمینه ساز حضور مداوم خله جویان امریکسا و شرکای آنها در خلیج فارس بوده و هست، کمترین مشروعبتی ایجاد نکند.

هم میهنان!
برای آنکه فاحه تگان دهنده کشتا ۲۹۸ انسان بی گناه و فواج مشابه آن دیگری را برکشود، با بد صلح و امنیت به میهن ما، به مرزهای خشکی، آبی، هوایی کشورهای بی باقیه ای بینا املا خلیج فارس برگردانده شود. با بد صلح و امنیت به میهن ما، به مرزهای خشکی، آبی، هوایی کشورهای بی باقیه ای بینا املا خلیج فارس برگردانده شود. با بد صلح و امنیت به میهن ما، به مرزهای خشکی، آبی، هوایی کشورهای بی باقیه ای بینا املا خلیج فارس برگردانده شود.

ننگ و نفرت بر امیرالیم جنایتکار امریکا سرگ بر جنگ، زنده باد صلح کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳ تیرماه ۱۳۴۷

ندارد. هدف امریکا از لشکر کشی به منطقه خلیج فارس صرفا تحقق اهداف تجاوزکارانه امیرالیم است. در این منطقه است. امریکسا می هیچ محوزقا نوسی و با زیربنا نهادن هرگونه قوانین بین المللی، حضور تروریستی را هزنا نه خود و متحدین امیرالیم است. در خلیج فارس راه پیا نه ادا مه جنگ ایران و عراق و شنج در خلیج فارس توجیه کرده می کند. رژیم جنگ افروزم جمهوری اسلامی در دادن بیانه سه دست امیرالیم ما هیتا متجاوز و زورما جرای امریکسا، مسولیت مستقیم دارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اقداما هزنا نه نا و گان دریائی امریکا در حمله به هو، بیما می سا فربری ایران! ایرا که به فاصله چند ساعت پس از وقوع این جنایت، برمسما از طرف رئیس جمهور امریکا مور دیشتنیا تن قرار گرفت. یک جنایت بزرگ و یک عمل تجاوزکارانه امیرالیم امریکا علیه مردم ایران می نشاند. او همه دولت ها و محامع جهانی می خواهد که این اقدام جنایتکارانه غیر قابل توجیه را قاطعانه محکوم کنند و از دولت امریکسا بخواهند تا به لشکر کشی و راهزنی دریائی خلیج فارس با بیان داده و بی درنگ نیروهای دریائی خود را از بیای خلیج فارس بیرون برد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اسرا زهمردی خود با هم وطنان شرافتمند، فریاد اعتراض را علیه ددمنش جنا پیتکار امریکسا می بلند می کند و در عین حال پیشا بیستی در مورد هرگونه سوء استفاده جنگ افروزان حاکم

نفت کش های جمهوری اسلامی جریان ارسال نفت ایران را مختل کرده بود. ۲ خرداد دوزیر دفاع عراق اعلام کرد، تصرف شلمجه، مهرا ن، دهلران، قمر شیرین و سومار، و جزو ا جهای مقدم ارتش این کشور است. ۴ خرداد شلمجه توسط عراق تصرف شد. دیگروشن شکره رژیم جمهوری اسلامی توان جنگیدن و ادا سه کشتا را از دست داده است. تلاش مذبحوحا نه و خونبار رژیم برای تصرف مجدد شلمجه پس از انتصا ب رفسنجانی به مقام جانشین فرماندهی کل قوا نیدر شکت خوردن توانی رژیم را بیشتر نشان داد. گفتا ر پیرجماران اما هنوز دست از رویای سوم و خونین خود پرنمی داشت. او در پیا مه مجلس سوم زوزه کشید: "سروششت جنگ در جبهه ها تعیین می شود، نه پشت میز مذاکره". خمینی در عیش سوزان خلمجهر "بلادا سلام"، مذبحوحا نه نیروهای نظامی را قرا خا نده هر چه زود تر دست به حمله بزنند، اما ما بتکا ر عمل نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در عرصه نظامی نیز دیگر به دست عراق افتاده بود، مجنون از تصرف قوای خمینی خارج شد، امریکسا فاحه قسقوط هوایمیای مسافربری را آفرید. فلاکت اقتصادی، انزوای سیاسی در جهان، خشم و نارضایتی مردم خسته از جنگ و کشتار، اعتراض گسترده جهان نیا ن علیه جنگ و جنگ افروزان و بالاخره شکست های بی درپی نظامی در جبهه ها، رژیم تپیکار رخمینی را در زمانه مستاصل کرد.

خمینی جلاسی از ۸ ا ج جنگ و خونریزی، در حوضی زونی و استیصال در برابر ارا ده مردم می زانودر آمد: "قطعا مه ۵۹۸ را می پذیریم، هر چند که پذیرش آن چون نوبندن زهاست. اما با این پذیرش، گلوای خمینی از جنگ مردم را نخواهد شد، او یک جنا پیتکار جنگی است و با بد صلح دهد: جنگ، کشتار و ویرانی جوا هفت سال ادا می یافت؟ برای ا ج چه؟"

مروری بر...
بقیه از صفحه ۵
به ایران شلیک کرد. ۱۲ اقسندو قتی کشتا ر ارا و ج بود، فدا نیا ن خلق ضمن انتشار اطلاعیه ای تا کید کردند: "تنها راه جلوگیری از تکرار جنایت های جنگی، آتش بیسی بدون قید و شرط و اجرای قسطن ۵۹۸ است. اما رژیم در تبلیغات خود از سیاست جنگ تا پیروزی دست نکشید، دریا سخ به خواست صلح طلبانه مردم، خمینی گفت: "به جای قیل و قال، دعا کنید خمینی بمیرد." ۲۸ اردیبهشت عراق در تها حوضی خونین، با ورا تصرف کرد، بزرگ ترین شکست در جبهه ها، پس از سال ۶۰، بر رژیم خمینی وارد آمد. قبل از آن در ۲۴ اردیبهشت حمله سنگین عراق به

رژیم بحران زده ای که علیرغم فشارهای بی شمار و سوء استفاده فراخی و عوام فریبانه از تها بسات و سنت های مذهبی و میهن پرستان مردم، از "گرم، نگهداشتن نورجنگ" تا امید شده و در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفت، اتخاذ شده است. خمینی که خا خا خا زهمه گفته ها و وعده های خود یکبار ه دست بشود و آبرو با گفته به میدان توجیه جنایات خود بیاید، می خواهد تا رژیم ولایت فقیه ش را از خشم مردم زمانه دارد. مصلحتی که او از آن سخن می گوید، مصلح آخوندها و رژیم جنا پیتکار جمهوری اسلامی است.

مردم صلح دوست و آزادیخواه میهن مسما از برقراری آتش بیس و قطع جنگ و استقرار صلح استقبال کرده می کنند. این خواست در سرنیست آنها بوده است. مردم از جنگ و جنگ افروزان متنفذر بوده و هستند. آنها از زودا رنده که تنها در میهنشان صلح با پیدا ر استقرار یابد، بلکه ایران با یک گناه صلح و دوستی در منطقه باشد، و در این راه بیکیرو مصمم بیگاری کنند.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافربری

هم میهنان!
روز گذشته نا و گان دریائی امریکا در خلیج فارس طی اقدامی جنایتکارانه و راهزانه، یک فرونده هوا پیمای مسافربری ایران را ابرا که از فراز خلیج فارس می گذشت، با حمله موشکی تر ادا و آن را سرنگون کرد. این فاحه منحربه که فریج همه ۲۹۸ نفر مسافر و خدمه این هوا پیمای مسافربری کردید.

این جنایت تگان دهنده تمام مردم کشتور را در ما تم عمیقی فرسودن نفرت و انزجار مردم ایران و همه شریک علیه امیرالیم مسما و ز امریکسا را برانگیخت. فاحه حمله موشکی به هوا پیمای مسافربری ایران ابر توسط نا و گان دریائی امریکا با ردیگر تاد از چهره کریمه امریکسا جنایتکار برداشت و ددمنش آن را پیش از پیش به نما بیسی گذاشت. اقدام جنایتکارانه نا و گان دریائی امریکسا که به مرگ ۲۹۸ نفر انسان بی گناه منجر شد، هم چنین نشان داد که لشکر کشی غیر قابل توجیه امیرالیم امریکا و شرکای بی باقیه خلیج فارس که به بیانه دروغین تا مین امنیت در منطقه صورت گرفت است، جز افزایش شنج و از بین بردن امنیت حداقل دریائی خلیج و آسمان آن، و جز کشتار انسانهای بی دفاع هیچ نتیجه دیگری نداشت.

اعتراف تلخ تر...
بقیه از صفحه اول
جمهوری اسلامی شتاب گرفت. روشن بود که پس از خمینی هیچیک از همدستان جنا پیتکار و از ترس مردم نمی توانستند گریبان خود را بهر ا جتی از جنگ تپیکارانه ای که همه سران جمهوری اسلامی و هر یک به سیم خود مسؤل تمسدا و م آن بوده و هستند، خلاص کنند. با بد خمینی این جام زهر را می نوشید و در زمان حیات خود، جنایات عبث و تپیکارانه خود و رژیمش را توجیه می کرد. این مسرالیه تهمیت جانشینان وی را به قیامت قربانی شدن خود و بیپهودی بخشید. خمینی در پیا مش که به بیانه از ما رسم حج و دوزخا به خاطر توجیه پذیرش آتش بیس انتشار یافت، ما جازنا و زیونا نه از مردم خواست تا آرا ما بشند و رژیم جنا پیتکاران را به خا طر کشتا رهای تپیکارانه و بی حاصل و ویرانی های وحشتناک مورد مواخذة قرا رند دهند. او گفت، نپرسید که: "تمسره خون ها و ایثارها و شها تها چه شد؟" او سر در ما در مقابل این پرسش درست که نشان می دهد جنایت و ویرانی چه بوده است؟ به "عوا لم غیب" و اجسر اخروی و ما لعل و آتشی با "فلسفه شها ت" حواله داد. او همانا گونه که تپیکارانه جنگی خا خا نسوز و ایران برپا دده را بی جون و چرا و بدون توجیه به مرگ یک میلیون انسان بی گناه، و برپا در قسطن هستی مردم و اعتراف آنها، ادا مه داد، اکنون باز قیقا نه از مردم طلب می کند که "بدون جون و چرا و با بدیونیا بدها" به تممیم امروز او که "شخصی مصلحت بوده است"، گردن نهند و نپرسند که مسؤل این همه جنایت چیست؟ روشن است که عجز و صلابه خلیفه جماران و پذیرش قسطن مه ۵۹۸ توسط وی، نه نانی از فدییده شدن روح صلح طلبی برای و نه نانی از نلسوزی و اسرای جان و مال مردم و مصالح کشور است. این تممیم قبل از هر چیز به دلیل مصالح سیاسی رژیم اسلامی،

انوش ، در آخرین آوردهگاه

در این باره آخرین ، ۴ سال در انفرادی بوده است ، تنجای تنها . این بار دیگر تنهایی به پایان می رسد .

طول سلول انفرادی ، ۲/۵ قدم است . و در این فاصله و ، آرموسکیا رگا می زند ، آخرین ساعات ، آخرین دقیق و آخرین لحظه های زندگی . خسته است اما ملاتبی خواهد که این لحظه را به خواب بگذرانند . مغز با شتابی فرا ترا حتماً در مشغول به کار است . بر فراز قلعه ۴۰ سال زندگی و بیگسار کاخانه ، روزهای خوب و شیرین ، و تلخکامی ها ، استواری و افتخار در می توقف می کند . نفس می گیرد ، سینه خسته است از کوله بارهای سنگین و گردنه های نفس گیر .

تحمل کن . واپسین گامهای مردانه ات را بردار ، اینک قلعه زبیرای تست ، قلعه عروج .

لبخندی کرمگ با گونه های که چشمش روک می خورد و در چشمهای که آرموسکیا آینه ها کی از رفایت درون مردی است که همه سالهای عمر را در سخت ترین مهلکه را زنده است . روزها ، ماهها و ساعتها در درازا می کشد تا آنکه سرگشته شود . است تا آنجا که آدمی از هزار آرزوی کند که گشت دیگر جانی نداشت . سارا هرگز را تا دودم خویشتن با چشمهایش دیده است ، آنجناب که دیگر خوب می شناسد ، آنگونه که دیگر مرگ را هم می شناسد . ملابت خوابی گرفته است .

خوبیهای با شکوه زندگی در برابرش می آید . آن زمستان که از دریاچه کوچک زندان قصر ، میان موج خروشان انسانهای منتظر در میاید نگاه بزرگ جلوی زندان روی دستهای رفت . آنقدر فروتن است که اکنون هم از یاد آوری آن ، سر به زیر می افکند . روزهای بعد که با تندر مسلسل و شمشیرهای گره گزیده مردم ، با روهای دشمن یکی پس از دیگری فرو می ریخت : فرج باد ، عزت آباد ، جمشیدیه و دردیگر هنگام شب کلانتری سوار . نفس عمیقی که می کشید با زهم سینه را بعد در می آورد . لحظه ای می بستد و با هم در طول سلول به راه می افتد . با دانهایی که در این سالها رفته اند و یاد آنها که هنوز هستند . چقدر دلش می خورده که حتی برای لحظه ای بکسم در آغوشش می کشد .

و یاد آخرین روزهای آزادی . روزهایی که سندهای سنجش ، نکیه که همسایرکان با خود . روزها می که فقط چند کلامش دلی را آرام می کرد . روزهایی که دیگر احساس می کرد تنور دشمن هر لحظه جمع تری خود را می به بیرون می جست . سرانجام آن روز ۲۷ مرداد ۶۲ که در آنجا لوپس با یک لشکرکامیون و سواری و موتور سواری صحرایساز کرده اند و سپس آن روزهای بلند ، آن روزهایی که تنها که هر دقیقه اش هزار سال می نمود و وقتی که گذشت ، درست مثل یک کابوس تلخ بود . بوی بد رنگ خیالش به نخستین ملاقات با مادر . آخ که انوش این شیرین را حق در دست داشت و او حقیقت در رنجش را به دوش کشیده بود . هیچگاه نتوانسته بسود آنچرا که در قلبش دار دنیا و اوباز گوید . کشاکش الان فقط دقیقه ای با زهم دیده ایش می آمد تا سربه بالینش نهد ، خود را که انداخته برایش آخریست لای لای را بخواند . تنهیب بر خود ، و خیال به سوسوی دخترش پرواز می کند که اکنون در آغوش خورشیدش ، همسرش میترا آرمیده است . ذوق می کند و دلش پیر می کند برای بوسه ای برگرفته های دخترش . سبک بی اختیار " مرابوس " از مزه می کند . تما و پیر در رفت و آمدند . در این ۵ سال فقط ۲ بار همسرش رفیق فدکا که در آرزویت محفظه شیشه ای - با بیه قول بچه ها آکواریوم . ملاقات کرده است . زیاد آوری " آکواریوم " خنده اش می گیرد و از زخنده ، سرفه ها می آید .

تا سپیده هنوز ساعتی چند باقی مانده است . اسطوره با ردیگر پس از ۳۰ سال و پس از ۳۰۰۰ سال تکراری می شود . با ردیگر پهلوانی از لشکر ما را فرستاده اند تا با کمان و شمشیر آن مردهای سازمان ما را ، فرخانی آزادی و شرف را معین کنند ، آن جناب که ایستاده است . سپیده که بر آید ، بر سنج آسمان آسای البرز ، تیرجان را ، پهلوان پرتاب خواهد کرد .

شنبه ۷ خرداد ۱۳۶۷ . آنها که خبر سر را شنیده اند با دلهره و اضطراب سراغ روزنامه فروشی های روزنود در میان کا در کوچه اطلاعاتی دادستانی . خبری را خوانند : (انوشیروان لطفی . . . وینش گلخواه یثان را می فشارد . در زمان کوتاهی ، همه خبر شده اند ، خا لاهر کس که از او چیزی شنیده و یا حتی یک بار او را دیده است ، دندان خشمش در داغدار می نهد . یک به یک و سپس گروه گروه روانه خانه اش می شوند ، خانه ای کسمه

زندان اوین ، بند ۳ ، شاگه ۴ خرداد ۱۳۶۷ . وضع مثل روزهای دیگر نیست ، از وقتی که نگهبانان وارد شدند بیرون رفت ، ابتدا سکوت شد ، سپس پیچیده ها و اینک همه ، چیزی مثل دردهم گلخواه را نشنیده است . عیب ها همه کشیده شده اند مثل سیم تارگی که آما دمه با بر آوردن است . جوانترها برایشان ننند . تلنگری کافی است تا حق در روشنشان را بشنوی و نگاهی نگویان خشمشان را ببینی . اما آماش آن کسمه در میان ایستاده است ، به هیچیک از این ها مجال بروز نمی دهد . خنده مهربان بر چهره آرام و دوست داشتنی اش مثل چشمه ای است که در بیابان زاری تشنه به راه می افتد و هر آنچهره رستی است و بسوی زندگی می دهد را سیراب می کند . سیراب می شود ، آرموز را به فردا و مرگ را به زندگی نوبده می دهد . آن که در میان ایستاده است را فرا خوانده اند تا به آردگاه هنر بردارین برود . گفته اند که لبها سپاسی را جمع کند و با این را بدرود گوید که این داغ آخرین است . حکم اعدا را به او ، به انوشیروان لطفی ابلاغ کرده اند .

به نگهبانها که در درون بند میروند اندکس نظری نمی افکند ، آنگاه که نیستند ، آنها هم که سرخ " نظم " زندان را به دست دارند ، منتظر و مشوش محقق سرو فرو خیزد ، نظرها که برنگرد ، بیمناکا انقراض سرود .

یا ران مهرنخیز ، یک به یک می آیند ، خود را در سینه فراخ و مردانه او را می کنند . لحظه ای مکث ، بوسه ای برگرفته از خون دویده و راه به بیگسری می دهند . دستیهای پهلوانی او شانه های یثسان را نوازش می کنند .

شمی آرام که از یال های پلنگ جال روان شده ، بدر در اوین می پیچد ، با مهی " اوین " را می باید و دل به نجوا و همهمه بلنگهای اسیر می سپرد . نجواشی که رفته رفته سار ترمی شود ، صدای انسان است ، صدای مدها انسان که آنگاه از یک گلو بر می آید ، صدای که بی لرزش است . سرود همبستگی است .

خبر به سرعت برق در همه جا پیچیده است : انوش را برای اعدام به انفرادی می برند ، و این را که برای اعدام می برند ، فاتح شکنجه گاه ها است ، قلعه فتح نام شده و این است ، کلید دار قلب میا زبیران در بند است . برادر ، دوست و رفیق همه همزنجیران است .

سرود اسیران بر لبهای نسیم ز دیوارهای اوین می گذرد ، نسیم نجواگر ، از غریب بلنگان ، از سرود نیرو می گیرد و به باد دمنده و غرغان بدل می شود . در برابر آستان ، درختان همه سرخم کرده اند ، با صدای باد ، درختان به همسراشی ، سرود می خوانند . لحظه عزیمت است ، صدای آرام و کمی گرفته

آن که در میان ایستاده است ، سکوت دویا ره را به اتاق با زمی گرداند . حتی گنجشک ها هم گوشی ساکت شده اند تا آخرین کلماتش را بشنوند . تا لحظه زبردستی نیست ، اما کلمات این بار با روانی از گلویش بیرون می آید . نیرویی که در این لحظه ها در جانش پدید آمده ، قدرت کلان را در چند ثانیه کرده است . سراپای وجود آنها که می شوند ، گوش است ، همه کسانسی را که با هم بوده اند ، در برابر یک دژ خیم زنده اند .

بها تحادقرا می خواند ، بر میثاق همبستگی و بیگاری مشترک به خاطر سعادت مردم و سر بلندی میهن بی پای می نشیند ، به نام مردم و برای آن که زندگی آزاد ، صلح میز و خوشبختی داشته باشند ، با هم با شید ، دست در دست هم ، با زود ربا و زود رمنی و احدی پیش بروید و بدانید که پیروزی از آن ما است ، زیرا که به پیروید راه حقیقت و عدالت می رویم .

درست ۱۳ سال پیش هم انوش را برای تیرباران بردند . آن زمان حبس سنگین ها و نامداران زندان ، در بند ۴ اوین جمع بودند و انوش را از همان جا برای دادگاه دوم پوه سوی جمشیدیه برده کردند .

بوی اومی دهد . رفت و آمد در سوسین خانه کوجه " نیرو " یک لحظه هم قطع نمی شود . تلفن یک لحظه هم آرام نمی گیرد . تا به پشت نامه ای رسد و حرف ها تنها بکی است . انوش ، عزیز همه ما بود ، انوش تنها نبود . هزاران انوش ، در سراسر میهنش فرزندان ما درش هستند .

درون اتاق در دوسوی عکس بزرگ او ، ۲ گل سرخ را آویخته اند . چه آرامشی در نگاهش نیست است . چشمهایش با توخن می گویند . ما درش اکنون در میان ایستاده ، اما رخت عزا بر تن نیست . ضبط صوتی که در گوشه اتاق روشن است ، نواز ضبط شده از آدیورا تکراری می کند : " هم میهنان ، دلاور خلق ، فرزندان بهمان ایران ، رفیق کبیر - انوشیروان لطفی به دست دژ خیمان در رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به شهادت رسید " . جمعی که گسرد آمده ، سرود می خواند ، همان سرودی را که همیشه هنگام موداع ، با رانش در اوین خواندند . در خانه دیگر جانی نیست . از بیرو جوان می آیند ، لحظه ای در مقابل تصویرش می ایستند تا نگاهش حرف می زند و با سکوت و احترام می گذرند . دسته های گل اطلسی را بویاشانده است .

چشم گوش های رژیم در طرف خانه پرتاب شده می زنند ، از کینه دندان بر دندان می آید ، اما مثل ابلهان فقط دهان گشوده و خیره مانده اند . مردم می آید و سرود می روند و آنها همچنان به دندان خاشین و پیر سوزدن ادامه می دهند .

از درون خانه ، نام شهیدان خلق یک به یک بر می آید و جمعی در آن جا است به احترام ایشان درود می فرستد . عده ای از کارگران پلکار ردی با خود آورده اند که جنین به پرچم ایران با ستاره سرخی در میان آن است . عکس انوش در کنار پرچم روی پارچه سفید شده است ، با دیدن پرچم سرنگ ، چشمها پیر از آنک می شود . پرچم سفیدی را گسری از جوانها می آورند که روی آن به خط سرخ نوشته اند : " سرود روز به روز ، انوشیروان . اعلامیه های فدائیان خلق که با مردم ایران و همزمان انوش سخن گفته ، در شهر بخش می شوند .

خانواده های که از ملاقات فرزندانشان در گهر دشت و قلعه را دیده اند ، خبر می آورند که این روزها بچه های اسیران هر کدا ما به شاخه کل به شانه سه نفر تنه پدیده ملاقات زندان آمده اند . به بستگان گفته اند که بروید به ما در انوش بگویید ما بیجانی را که با او ایستادیم - با داداریم ، ما نامیم ، مقاومت می کنیم و از سر بیجا نمی گذاریم . همسرش بیجا مداد بوسود ، دست ما در را ببوسید ، دلدارش دهید و بگویید که همه ما فرزندان او هستیم ، راه قهرمان ما ادامه دارد .

گلستان خاوران بیابان نزاری است که در نگاه اول تنها بوته های خشکش را می بینی و جا به جا سنگهایی که نشان از انسانی نهای خفاک خفته می دهد . نوزده دکه در بوته خاوران می پیچید ، ناله نیست . گوش دل که بسیاری ، نجوا است . ترانه است ، سرود است . گلستان خاوران را به چشم آن که سنگری گنج خانه ای است . خاوران نه فردا که امروز محراب شده است ، زیرا که خلیق می دانند و مراد ریدها پیش را در این دشت ، در خاک کرده اند .

هفتمین روز شهادت انوش ، خاوران میا دگا هزاران عاشق است که نوای ترانه ها یثان در سراسر دشت طنین می افکند . مادران فدایی ، توده ای ، مجاهد و دیگر مبارزین خلق ، برای ادای احترام به قهرمانان ، امروز این جا جمع شده اند . مادران با دسته های گل ایستاد بر خاک انوش و سپس ، به خون خفته گان دیگران می روند . تنها لحظه ای به خود اجازه می دهند که سیلاب اشک را جاری کنند . اما دمی دیگر سرک از صورت می سترند ، سرا فرشته می گیرند و خون به دل می ریزند . آنها که این جا خفته اند چنین می خوانند ، نگذارید که دشمن ، شاد شود .

بالای یک سنگ ، مادری مغرور ایستاده است . با دگوشه های روسری اش را مثل پرچی تکان می دهد . با نگاه و فرزندش در چشمها می نگرد . چشمهایش قلب انسان را به دردمی آورد ، سخن آغاز می کند ، اما بر زبانش به تنهایی حرفهای ای که صدای همه فرزندان است که این جا ، زیر خوارها خاک ، خفته اند جاری می شود : عزیزانم ، فرزندان ما همه به دست یک جلاور در راه یک آرمای کشته شده اند . نگذارید هیچ شگافی در میانمان نباشد ، بیاید در کنار هم و متحد با دشمن مردم جنگیم . بیاید در کنار هم در لحظه های تیرباران اتحاد دویوگایکسی .

دست ها در هم گره می خورد ، قلبها با هم یکی است . با زهم صدای مدها نفرکه نگار از یک گلسو بیرون می آید . این جا که این سرود خوانندگان ایستاده اند ، کنار انوشیروان لطفی و چند تنم آن سوتر حاجت محدود و در کنارش ابوالفضل پورحجیب و کمی دوتر سعید سلطا نیوراست ، سرود اتحاد ، دشت خاوران را در می نوردند . نسیم بیساری سرودشان را بر با مفلات پهنانورمان می گسرد . □

باز هم سلول انفرادی ، آشنای انوش ، تنهایی



خیمینی ۸ سال جنگید ، ۸ سال جنگ راستود ، ۸ سال هرج و مرج و ظهور و سقوط سرست از این "تعصبات آسمانی" در خون مردم ایران و وضو گرفت و به نیا پیش غریب جنگ ایستاد ، تا آنجا که می‌توانست ، تا آنجا که توان داشت ، و تا آنجا که مجبور شد "چازم‌نشر" را سرکشده و تئویش برضا بیاورد ، دیگر از زینت افتاده بود ، نه اینکه نمی‌خواست بجنگد ، دیگر نمی‌توانست ، در این ۸ سال ، فرصت‌های بزرگی برای صلح شرافتمندانه از دست رفت . در این ۸ سال ، هر روز مردم قربانی جنون جنگ و کشتار شدند . این ۸ سال فراموش‌شدنی نیست و نباید فراموش شود . هر سال و هر ماه و هر روزش گواهی است بر محکومیت رژیم جنایتکار و ضد بشری که خلقی را قربانی اهداف پلید و هیستریک خودش ساخت ، و خیمینی ، جنایتکار و رهبر جنگی ، به خاک و خون راهی ما شد ، با بدیه مردم پاسخ دهد .

۳۱ شهریور ۵۹ ، پس از ماه‌ها تشنج ، تحریک و درگیری مرزی دو جانبه ، ارتش عراق تعرض گسترده خود به کشور ما را آغاز کرد و با استناد به زینت‌یختگی و تا آمدگی رژیم خیمینی و نیروهای مسلح آن ، به سرعت بخشهای وسیعی از خوزستان و کرمانشاهان را اشغال کرد ، هدف ، پیروزی برق آسا و تکنیکال "خوزستان آزاد" بود . اما این توطئه هرگز نتوانست تحقق نیافت .

درست یک سال بعد ، شرایط جبهه‌ها عوض شد . ۵ مهر ۶۰ با عملیات "ثامن الائمه" محاصره آبادان در هم شکست . عملیات "مطلع الفجر" در آذر ماه ۶۰ و "مولای متقیان" در اسفند همان سال ارتش عراق را با شکستهای سنگینی مواجه ساخت . عید سال ۶۱ در جریان حمله "فتیما لمبین" منطقه غرب شوش و دزفول آزاد شد . ۱۵ اردیبهشت ۶۱ ، در عملیات سنگین "بیت المقدس" خرمشهر را تصرف نیروهای اشغالگر عراقی خارج شد و آزاد گردید . با آزادی خرمشهر ، بهترین شرایط و مساعده‌ترین امکانات برای برقراری صلح فراهم شد . یک ماه پس از شکست در خرمشهر ، شورای فرماندهی عراق پیشنهاد آتش‌بس داد . اما رژیم خیمینی سر مست از پیاده پیروزی ، چم به بصره و بغداد دوخته بود . پس از شکست محاصره آبادان ، رژیم خیمینی به تدریج تمایلات تجار و زگران خود را آشکار ساخت . در ۱۳ ماه ۶۰ ، رفسنجانی اعلام کرد : "اگر ضرورت اجاب کند ، وارد خاک عراق خواهیم شد" .

با هدف فتح بغداد ، خیمینی و رژیمش همه تلاش‌های صلح طلبانه را عقیم گذاشتند . ۱۸ خرداد ۶۱ در آستانه حلس شورای امنیت رفسنجانی اعلام کرد : "آنها مختار اند که هر کاری می‌خواهند بکنند ، بگذارد شورای امنیت آبروی خود را نبیورد" . به دنبال تصویب قطعنامه شورای امنیت موراد آتش‌بس نیز ، موسوی نخست وزیر در ۲۳ خرداد ۶۱ گفت : "اگر شورای امنیت ۱۵ قطعنامه دیگر هم صادر کند ، حقوق حقه خود دست نبردم" .

۱۰ روز بعد ، رژیم تنها چم خونین تازه ای به نام رضای را آغاز کرد ، هدف این تنها چم خونین به خاک عراق بود به طرز آن هزاران نفر دیگر به خون کشیده شدند ، خیمینی جنایتکار ، دوا به او ابراء و هجرت ، قصاص پای می‌فرشد ، پس از عملیات "والفجر ۳۰۳" که به آغاز سازی مهران منجر شد ، در دوم شهریور ماه او کف بر لب فریاد آورد ، "ما می‌خواهیم همه حکم اسلام را از او انتقام بگیریم . ما می‌خواهیم همه کتیم . . . یک همچون موجودی دیگر گریه بدارند باقی بمانند" .

هشت روز بعد ، کفتر پیرجماران حضور در جبهه‌ها را "واجب شرعی" اعلام کرد و رفسنجانی به مناسبت سالگرد جنگ ، با عطشی آکنده از جنون جنایت ، اعلام داشت : "شما اگر کشیدید آنها را به پیش می‌روید و اگر آنها هم شما را بکشند ، شما به پیش می‌روید" . خیمینی تا کید کرد : "حتی اگر کار به جایی برسد که همه به شهادت برسند ، یک گام به عقب بر نخواهیم داشت" .

جوانان و حتی کودکان ، گروه گروه به کشتارگاه‌ها گسیل شدند . ۹ مرداد ۶۱ وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد ، ۵۳ تا ۵۷ درصد دانش آموزان در جبهه‌ها هستند ، بنا به آمار منتشره از صلیب سرخ در ۲۴ تیرماه ۶۲ ، از ۷۲۰۰۰ اسیر ایرانی ، ۵۰۰۰۰ نفر آزادگمتر از ۱۵ سال داشته اند و ۵۰۰۰۰ نفر زیر ۱۵ سال بوده اند .

در فاصله این ، و آذین رژیم به تهاجمات تازه ای به نام "مسلمین عقیل" ، محرم و "الفجر ۴" دست زد . در تنها چم خونین و الفجر ۴ هزاران تن کشته شدند . خبرگزاریهای غربی تلفات ایران را ۳۰ هزار نفر اعلام کردند ، هدف یون عملیات ، نه "دفع تجاوز" که تجاوز به خاک عراق بود ، هر حمله ما ، با کشتار بزرگ ترونتا یج ناجز تر مواجه می‌شد . جنسک در جبهه‌ها به بن بست رسیده بود ، رژیم می‌خواست با تبلیغات پیرامون پیروزی قریب الوقوع ، واقعیت‌ست نبست جنگ را از چشم مردم پوشیده دارد و آنها را به آدا مه جنگ تشویق کند . دوم شهریور ۶۲ رفسنجانی گفت : "من به شدت این حرف‌ها را امیرالایست‌ها را که می‌گویند راه حل نظامی برای جنگ وجود ندارد ، در تگذاری می‌کنم و مدعی هستم که راه حل نظامی وجود دارد" . او قیقا نه اعلام داشت "این ما هستیم کسسه

برای آنکه فراموش نشود

مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ

در مورد آینده عراق تصمیم می‌گیریم .

در پایان سال لویس از یک دوره طولانی بسیج نیرو ، رژیم جرات بزرگ و خونین و الفجر ۵ و ۶ را که به گفته موسوی اردبیلی می‌بایست کار جنگ را یک سره کند ، آغاز کرد . این تهاجمات با کشتار بی سابقه نیروهای ایرانی همراه بود و تنها به فتح جزایر محصورانجا محدود . ۱۰ اسفند ۶۲ خیمینی جنایتکار ، عرصه جویا نه با یک برداشت که "صدام رفتنی است و نه آمریکا می‌تواند نگاهش را در دو نسه دیگران" . او چند روز بعد با رهرو حرکت در جهت صلح گفت : "اگر تنها نجه پیشنها صلح را قبول کنیم و بشنیم پشت میزی که صدام میک طرفش نشسته ، آقای رئیس جمهور ما هم یک طرفش نشسته ، دنیا به ما چه می‌گوید ، این با عزت اسلام نمی‌آید" .

سال ۶۲ به پایان رسید و صدام "ترفت" . جنگ به سال نو کشیده شد . سران رژیم در پی ماهای شوروی خود کوشیدند در نخست راه جنگ را با میدانی که سال ۶۲ سال پیروزی نهائی است سرگرم کنند ، کمیته مرکزی سازمان در پی ماهای منوروی خود من انشای دروغ‌های رژیم را همه مردم ، از جانب ما سازمانهای مترقی خواست مبارزه برای صلح را گسترش دهند .

از خرداد ماه ، فشار به مشمولین تشدید شد . رژیم می‌خواست فرار از سرپای ، یکی از بازترین مظاهر محالقت مردم با جنگ را ، که هر روز گسترده تر می‌شد ، با سرکوب و فشارها رکنند ، در این مساه قانون خدمت وظیفه عمومی به اجرا در آمد و در پی ماه نیتزپی دوره سرپای درسیا برای وحشیانه جاری شد .

در پی ماه ۶۳ به دنبال بمباران و حمله به شهرها و حمله به نقاط بسکونی ، با میا نخی گری سازمان ملل متحد ، دور رژیم تعدید کرد که از حمله به نقاط بسکونی خودداری کند ، در این خلق طی اطلاعیه ای به تاریخ ۲۴ خرداد ۶۳ از این توافق استقبال کرده و خواهی تبدیل آن به آتش بس کامل و صلح میان دو کشور شدند . خیمینی در پاسخ به خواست صلح گفت : "عزت و شرف ما در گرو این جنگ است" . به دنبال اورسنجانی نیز تا کید کرد : "جنگ هستی ما است" . وی در دوم شهریور ما رهبر جنگ طلبی رژیم انگشت نهاده اعلام داشت : "حفظ موقعی با این بیداری کند که صدام و حزب بعث از عراق کشته شده باشند و مردم عراق آزاد شده باشند" .

با نزدیک شدن پایان سال با دیگر آتش جنگ شعله کشید . ۱۳ اسفند ۶۳ جنگ خونین شهرها بسا نفی قرارداد ۱۲ ژوئن ۸۴ آغاز شد و پیش از یک ماه یعنی تا ۱۷ فروردین سال بعد طول کشید . هزاران تن از مردم غیر نظامی می‌فریانی سابقه گریا رگبار خیمینی و صدام شدند . تنها در ایران ۵۵۰۰ نفر کشته و ۲۵ هزار نفر مجروح شدند . ۲۱ اسفند ، سپاهیان خیمینی عملیات "بدر" را در محبوره و هوز آغاز کردند ، رژیم با تبلیغات کرکننده ، خبر "از پیروزی نهائی" داد . گفتند : "اکنون در آستانه فرارسیدن همان موقع مقتضی قرارداد یکمیکه یا بد کار صدام می‌گردد" . روزنامه‌ها تیتیز شدند : "بغداد در انتظار رضه نهائی" . اما عملیات بدر با کشتار وحشتناکی همراه شد . ۱۵ هزار جوان ایرانی قتل عام شدند ، رژیم در تنها چم خونین خود شکست خورد و بن بست جنگ آشکارتر گردید .

ایران غرق در آتش و خون وارد سال ۶۴ شد . شکست بردگان سنگین بود که خیمینی مجبور شد در پی ماه منوروی خود بگوید : "مهم نیست شکست بخوریم مهم این است که وظیفه خود را انجام دهیم" . او کوشید به بیانه جنگ ، گران و فقر را توجیه کند : "ملتی که برای شهادت می‌رود از این که فلان چیز کم است نمی‌تواند . . . ملتی این طور دیگر به دنبال آسین نیست که گوشه نشینان را از است با گران" . زحمتکشان کوی ۱۳ آبان تهران با تظاهرات گسترده خود در ۲۱ فروردین به جنگ طلبی و سخنان ارتجاعی خیمینی پاسخ دادند .

در آغاز جنگ شهرها ، دبیرکل سازمان ملل برای جستجوی راه قطع جنگ تهران و بغداد سفیر کرد ، با سخ رژیم همان بود که انتظار می‌رفت : "جنگ تا پیروزی" . در مراسم ۱۲ فروردین تا کید شد : "جنگ تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت" . خیمینی ۱۵ فروردین سخنرانی کرد و گفت : "جنگ اساسی ایدئولوژی جمهوری اسلامی است" . با رشد نارضایتی مردم و به ویژه تظاهرات زحمتکشان کوی ۱۳ آبان سران رژیم به میدان تریب مردم ، تبلیغات کردند که خود را در مورد "پیروزی نهائی" تشدید کردند . خیمینی : "ما تا به آخر پیافاری می‌کنیم" . رفسنجانی : "ضربه قاطع زده می‌شود" . صیاد شیرازی : "سروش جنگ به زودی مشخص می‌شود" . خیمینی : مردم برق دار جنگ هستند . سازمان ما با شما همگام است" . دروغوئیهای رژیم را افشا کرد و اعلام داشت : پیروزی نهائی سراب است . در راه حل نظامی

نظاره داشتند .

۵ خرداد پس از دیدن تهاجمات عراق در مورد آتش بس در ماه رمضان ، جنگ شهرها از سر گرفته شد و ۲۵ روز ادامه یافت . موسوی نخست وزیر ، فاشیست ما با تهاجمات کرد ، جمهوری اسلامی آماج گسی دارد . دوم جمعیت عراقی را مورد حمله موشکی قرار دهند . ۲۱ خرداد در حالیکه تهران غرق در آتش و خون بود ، بصره با روزی ۲۵۰ گلوله توپ ویران می‌شد ، نخست وزیر خیمینی اعلام داشت : اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد ، جمهوری اسلامی آن را ادامه خواهد داد .

در تابستان جنگ نفت کش‌ها و حملات عراقی به خارک شدت گرفت . جمهوری اسلامی به چندین عملیات با نامهای ظفر و قندس دست زد که همه نا فرجا موتا کام ماند .

با شیز به دنبال فرمان خیمینی برای ادا ماه بسیج ، بگرو بیبند جوانان برای سازماندهی کاروانهای کربلا شدت گرفت ، رژیم به دنباله سال جمع آوری نیرو برای حملات بزرگ تازه بود . ۲۳ سپهر بخشنا به نخست وزیر اعلام کرد که بجای ۲٪ سابق باید ۱۰٪ کارکنان واحدهای تولیدی به جبهه‌ها اعزام شوند . او اسط دی ماه از اندامری کلیت نیروهای انتظامی را موظف به شتاسای و دستگیری مشمولین غایب ساخت . در آستانه عملیات خونین "والفجر ۴" ، تبلیغات جنگ طلبانه شدت گرفت .

۲۰ خیمینی تهاجم "والفجر ۴" آغاز شد . سپاهیان خیمینی قاتل تصرف کرده و به سوی بصره به حرکت درآمدند . ۵ اسفند تهاجم "والفجر ۹" در منطقه سلیمانیه آغاز کردید . دشت‌های جنوب عراق در خون شد . ۱۰ اسفند رفسنجانی با لذتی سادستی از کشتار جوانان عراقی سخن گفت : "آنها همگی زدم درومی شوند" . او تا کید کرد که "جبهه‌ها نباید آزار بگیرند" . جمهوری اسلامی درخواست سازمان ملل برای صلح رد کرد . کمیته مرکزی سازمان صلح در اطلاعیه ای حمله جنایتکارانه به قاتل ورا محکوم کرد و در آواز فریادهای نائی از پیروزی اعلام کرد : "این تهاجم سپاهیان خیمینی نیز هیچ نتیجه ای جز خون ریزی بیشتر و کشتار بیشتر برای خیمینی و آخوندها را حاکم نخواهد داشت" . فابویه قیمت قتل عام ۵۰ هزار جوان ایرانی و ۱۵ هزار سرباز عراقی به تصرف خیمینی درآمد .

در آغاز سال ۶۵ ، خیمینی فرمان ادا مه تشدید جنگ را صادر کرد ، او گفت : "ما تا این حزب علفقی دست جنگ خواهیم کرد" . وی به همه جوانان دستور داد به جبهه بروند ، به دنبال فرمان بسیج خیمینی ، موسوی اعلام کرد : سال ۶۵ همه چیز در خدمت جنگ خواهد بود . تلالس جنون آمیز برای بسیج نیرو و آغاز شد . دانشگاه‌ها نیمه تعطیل شدند ، اعزام دانشجوین ۵۰۰ هزار دانش آموز را جاری شد . وزیر آموزش و پرورش آموزش نظامی را برای یک میلیون دانش آموز اجباری کرد . روز ۱۸ خرداد و ایران را ما دگی کرد که ۵۰۰ هزار دانش آموز را موزرا به قتلگاه می‌فرستاد . ۵ اردیبهشت ، نخست وزیر آموزش نظامی را برای کارکنان دولت اجباری کرد "نهمیه" رفسنجانی برای اعزام به جبهه از ۱۰٪ به ۲۰٪ رسانید . رفسنجانی فرمان جلب مشمولین فراری را داد . ۱۱ خرداد ، ۲۴ به خدمت برای افزوده شد . برآی بی فرمانده سپاه نقشه رژیم برای اعزام یک میلیون نفر به جبهه را فاش کرد . در نما جمعه ۴ خرداد ، خاندانه ای اعلام کرد : بسیج نیرو برای بگردد جنگ است . ۲۹ خرداد شورای عالی سیاسی دولت لزوم اردگسردن "ضربه نهائی" را اعلام نمود . ۱۱ تیر عملیات "کربلای ۴" آغاز شد . جمهوری اسلامی شهرمهران را مجددا تصرف کرد . در این حمله ۱۰ هزار ایرانی و ۸ هزار عراقی کشته و مجروح شدند ، اما کار جنگ بگردد . چند روز بعد وعده‌ها دوباره آغاز شد . رفیق دوست اعلام کرد : "تهاجم وسیع به زودی آغاز می‌شود" . دهم و یازدهم شهریور عملیات "کربلای ۵" در منطقه حاجی عمران با برجای گذاردن هزاران کشته‌ی نتیجه‌ماند .

در کنار بسیج جنون آمیز ، کارزار جبهه‌های برای جلوگیری از گسترش بزرگ تشدید شد . در شهریور ۶۵ هشتمین اطلاع سران غیر متعهد در محرابه خاوهان قطع جنگ شد . ۳۱ شهریور با زدهمین کنگره جهانی سندیکا ها از سوی میلیون ها کارگر جهان ، رژیم را به صلح دعوت کرد . او اسط مهر شورای امنیت یک بار دیگر طرفین را به قطع فوری جنگ فراخواند . کمیته مرکزی سازمان طی اعلامیه ای در مهرماه مردم را خطاب قرار داد : "از قتل عام جدید جلوگیری کنیم" . سازمان نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاد و نسبت به خطر یک کشتار بزرگ هشدار داد .

رژیم بی اعتنا به فراخوان‌های صلح ، به بسیج ادا مه داد . در نیمه آذر ماه سپاهیان ۱۰۰ هزار نفری محمد به جبهه‌ها اعزام شدند . ۴ دی ۱۳۶۵ ، پس از یک تدارک ۹ ماهه ، تهاجم خونین "کربلای ۴" و سپس در ۱۹ دی عملیات "کربلای ۵" آغاز شد . هدف فتح بصره بود . ۲۶ دی ماه رفسنجانی گفت : "در این جا سروشت نهایی جنگ تعیین می‌شود" ، نبردهای

زهری که خمینی بکام مردم ریخت

دراوج موشک باران جنايتکارانه تهرآن، بپرکفتا رچما ران زوزنه کنيد: "مردم به اين موشکها مي خندند". پاسخ ديکتاتورجما ران را با ييد از زبان خود مردم شنيد، باسخي که نشا نگردريساى عميقى است که به اين خمينى و مردم وجوددارد. آنچه که در زير مى خوانيد نمونه اى است از دهها نامه اى که در جريان بمباران وحشيا نه شوهرها براى نرشيه کار فرستاده شد، و اين نامه ها تنها قطعه رهاى است از دريائى رنج و اندوهى که مردم ايران را طى هشت سال جنگ جنايتکارانه در خود غرق کرد. سطر سطر اين نامه ها سند محکوميت خمينى است. نشا نگر در درونجى است که اين جنايتکار رنجگى براى مردم ميهمان ما به همراه آورد. در درونجى که هرگز فراموش نخواهد شد، در درونجى که مردم برخمينى و رژيم خونخوارش نخواهند بخشيد.

اروميه * بهمن ماه ۶۵: "همه چيز طى دوروز متوالى اتفاق افتاد، شنبه دوشنبه. و هر دوسر يك ساعت معين. صبح ساعت ده و بيبست دقيقه. روز اول بمباران نشا کردند. چتعدا دهاو پيما بودند، معلوم نشد. ولى آنها را همه دیده بودند. در شمال و جنوب، دريائين و بالاي شهر. هر جا جمعيت بود آنها نيز بودند... و عقربت مرگ بود در نسيات هوا پيما ها بزفا شهر. بمب ها يک به هر جا خورد ويران کرد، بپرکود کودک خردسال چنان متلاشى شده بود که پدرشان بکسر به دست گرفته بود و قطعات بدن آنها را از بين سايرين جمع آورى مي کردند. در دبيران از خترانه (شاهدخت سابق) در انتهاي کوجه منوچهرى. هنگامى که دا نشا آموزان در کلاين مشغول درس بودند، مورد مابست بمباران قرار گرفتند، دا نشا آموزان در طبقه که بمب به آنها ملامت کرده بود، بک جا کشته شدند. هوا پيما هيا علاوه بر بمباران، هجروحين را از فاطمه نيزديک به رگبار گلوله بستند. شايد فقط روه خوان نساغ رضوان (قبرستان شهر) بدارنده که برچه تعداد از دا نشا آموزان اين مدرسه نمازگزارده است...

باردوم * بک روز پس از بمباران اول، بمب افکن ها يک با ديگر آمدند. دوشنبه صبح. وهما ن ساعت قبلى. ميدان سندهک شهربى دفاع است. آمدند با شين و با شين ترودريک چنم برهيم زدن جوى خون بر کف زمين جارى شديو ن مردم سينه اسان را دريدند، اين با رهم بمباران گردنوه هم به رگبار مسلسل بستند. چنان آسوده خا طرسودند که انگار در درشتى هوا ريه درونشسته اند. مردم در ما تده شده بودند. به کجا پناه ببرند؟ ما درى براى آنکه جان بچها ش را نجات دهد، او را روى کف زمين

خوابا تده و دوروى او دراز کشيده بود. با انا بست اولين ترکش هاى راکت، بپرکهرود در خون غلتيد، و چنين بود که کشته ها، بيشه شدند. ميگويند چون نشا نسته اند همه کشته ها را خاک کنند، آنها را کتا دريا چنگه ها شده اند. هنوز هم رقى نيبست که در آن روزهاى سايه و خونين چه تعداد کشته شدند. ميگويند: هزار نفر. ميگويند دهازار نفر... هر چه هست، چنان است که در شهرها برى به چشم خورد با زمانه نگان از شهر خراج شده اند...

بهمن ۶۵. تبريز: "شهر مضطرب و نگران است، ترس و دلهره از بمباران شهر، آنى اما ن نهيدهد. چرا ترس نبا شد، جايى که کودک شيرخوار بر آغوش مادرش دروشن کوجه" در خون مي غلطد و قبيل از اينکه دهها نش بهستان ما درش برسد، "بمب" هر دورا جز غالمى کند، جايى که. عده کثيرى از اناوها در بيمارستان نشا در انا مابست بمب به اطراف بيمارستان از شدت ترس سکنه مى کشند و مى ميرند، جايى که ما شين مملوا زکا رگنا ن و کارگران شرکت ايدم، هنگامى که زکا رگنا ن هدف بمباران قرار مي گيرند و همه يک جا کشته مى شوند... جرادله شهره نبا شد بر ادم. ما دانى جنگ يعنى چه. هر لحظه، آرى هر لحظه نظاردا ريم صف خانه نشا نشه و بسک بمب وارد اتا ق شود...

دروديو و کوجه و بسک کوجه هاى شهر و کيو بسک هاى تلفن پر از زفا رعليه گردند. مردم مى گویند و آنان با يک مى کنند. آنها بر طيل جنگ مى کوبند. مردم نيز پاسخ مي دهند: ما صلح مي خواهيم...

سندج دى ماه ۶۵: "اولين حمله هوايى عراق به شهر سندج در آخري دور جنگ شهرها، در ساعت ۴ بعد از ظهر روز يکشنبه ۲۸ ديماه صورت گرفت. مردم قمرى کردند چون چندين سال است که با رژيم جنايتکار خمينى مستقيما درگير ميبا رزه هستند و فرزندانشان در کوجه به سر مى برند، با اين دليل عراقى ها از بمباران شروع درى خوا هند کرد. مردم آگرا براى تما شائى هوا پيما هاى عراقى به پشت با ما رفته بودند. اين با عراقى ها برخلاف ذهنيت مردم بنقا ط زيادى از مناطق با بين شيمس را در هم کوبيدند، بعد از هراتفجاري که با فاطمه کسى مورت مي گرفت، نوده غلظتى از دود و گرد و غبار همچون چا رچ به هوا بر مى خاست. عراقى ها دست بردار نبودند، بعد از مدتى که نقاط فغير نشين و بپر جمعيت شهر را بمباران کردند، با خيال آسوده آسمان سندج را ترک کردند... در خيابان اکباتان که بمب به نيبش آن در ميدان با بين شير اما بت کرده بود، مزدوران رژيم نشا نسته بودند از هجوم مردم به صل بمباران جلوگیری کنند... مزدوران رژيم در انا محل از ترس ختم مردم صلاح ديده بودند که محل را ترک کنند. در اين محل از همه جا فريا دمرگ برخيمند... بسى

ادامه جنگ، راه براى حضور ناوهاى امريکايى در منطقه با رشد ۲۷. اردبيشت عراق يک نا و امريکايى را به موشک بست و امريکا فرصت را غنيمت شمرد و ناوهاى بيشترى را به خليج فارس گسيل نمود. ۲۷ تير پرچم امريکا بر فراز زکشتى هاى کويت نصب شد. اواسط مرداد رژيم با نورگسده "شهادت" را در خليج فارس آغاز کرد. نبروهاى "مدافعين خليج فارس" را سازماندهى نمود و اين آبراه بين المللى کشتيرانى را مين گذارى کرد. متحدين با توپى امريکا نيبسز ناوهاى خود را روا ن به خليج فارس کردند. در شهر يور ماه اعلام شد امريکا ۱۰ هزار سرباز خود را به منطقه اعزام نموده است. اوضاع خليج فارس به شدت رويه خاست نهاد. ۳۱ شهر يورا امريکا به کشتى ايرانى "ايران جز" حمله کرد، دو هفته بعد سندج هلى کوپترهاى امريکايى ۴ قايق ايرانى را غرق کردند و به فاطمه ۱۰ روز سکوى نشى ايران راه آتش کشيدند. ۳۰ مه ماه جمهورى اسلامى با يانه نفتى کويت را به موشک مورد حمله قرار داد، جنگ نفت کش ها به اوج رسيد.

در کنا ر تشديد تشنج در خليج فارس، تلاشهاى بين المللى براى قطع جنگ نيزگسرتش با نيبست، اواسط اردبيشت سازمان ملل متحد قطعا سه ديگرى در مورد جنگ به تصويب رساند. خمينى در پاسخ به نداى طلوع مردم با خشم گفت: "آتش که ميگويند بايد بازش کرد، با ياهى فهميدند که گرا شا نشا کنيم، بسه مى شويم؟" ۲۲ خرداد دبيرکل اتحاديه عرب با دبير کل سازمان ملل متحد براى قطع جنگ ملاقات کرد. در همان روزها نمه اى اعلام کرد: "ما مويبات شوراى امنيت را به جيزى نخواهيم گرفت و قبول نخواهيم کرد". سران رژيم فريا دزدند: "تلاش براى صلح بيهوده است. ۲۸ خرداد رژيم براى اثبات جنگ طبله خود، عمليات "فتح ۶" به نداى آن، "انصر ۶۰۳" را به راه انداخت. تنها نتيجا بين حملات کشتار چند هزار جوان ديگرى بود.

۲۹ تير شوراى امنيت سازمان ملل متحد قطعا به ۵۸۸ راه به تصويب رسانده خاها ن آتش بس فورى و عقب نشينى طرفين به پشت مرزها بسود. خا نمه اى اعلام کرد، اين قطعا به "بشيزى نمى رزد" ولايتى گفت: "آن را نيمي پذيريم"

برمى خاست ...

تهران اسفندماه ۶۶. از نا ميه بسک دا نشا آموز: "دو باره آمدند. شب ساعت ۹ صداى هوا بپيما شنيديم. همگى ديديدند اخل اشيا رى. حدود يک دقيقه را مپود. بعد هي صداى بمب آمد. خانه تگان مى خورد و جلوعقب مى رفت. زرى خيليسى گريه مى کرد. صداى هوا پيما را خوب شنيديم. بعد از اين که بمب ميا ندا خنند وضع قمر زمى زدند. وقتى که گفتند در وضعيت سفيد هشتميان را نبار ري خارج شديم. صداى بمب (...). همين الان دوباره موشک زدند و دوباره نيزديک خانه ما ن بود، و خانه هها و شيشه ها خيلى لرزيدند و من خيلى گريه کردم. بسک دفعه خودکا را از ترس پرت کردم) ديگر همه چيزها دم رفتند و احساس مى کنم موشک در راه است و وقتى مى خوا بخيال امي کنم سقف داره روى سرمان با بين ميان. همينطورا موشک ميان د: مدرسه شرف، خيابان سينا و چندجاى ديگر ...

تهران اسفند ۶۶. از نا ميه بک کودک هشست ساله: "من اين نامه را با دلى خون و اندوه براى ... برادر عزيزم مي نويسم، اينجا بمباران است. به تهران ۷ موشک زده است. ۴-۵ بمبار در ... وضعيت فرم شده است. ديگر اميدى براى زنده ما ندن ما نما تده است. من ديگر با شما هيا خدا حافظى مي کنم و مخصوصا من خيلى مى ترسم و اميدوارم که يک بمب بر سر من بيندا زد و مرا بکشد و از اين غوغا نجات بيادا کنم، اميدوارم که شما خوشخت زندگى کنند."

جيهه. از يادداشت هاى يک سرباز: "کسى مرده ها را شما رهنمى کرد، جزا و. جوان بپرگوشه اى از ديوار قرارگا ه جوب خط مى زد. هر مرده يک جوب ...

شما مرگان از زندگان مدام ميبش مى گرفت. جوان ديگر جوب خط نمى زد. مرگان را ديگر کسى شما رهنمى کرد... ارا به سا هيان "لبیک يا امام" رسيد. مرده و راهى فريا دبرآورد که سا هيان تازه نفس رسيدند. شايد ان با دهان به کف آمده، فريا رسيدند تا محسنا ت زندگى در آن سوي زندگى رادر روان قربانيان جديدتا زها ريه رسيدند و فرگسند، رخسار جوان از خشمه زيان نيا مده اش به بغير نشست، دندا نيا فشرده شد، راه با زگشتى. در بين نبود... جوان به اتا ق فرما تده، برادرى که کجا عدر را نشا در ديگران تحسین مي کرد، با نيا د، کلید را در قفل چرا نده، فرما نده مجال ناله نياقت و در خون در غلتيد. برادرى بر پشت درمى کوبيد. جوان تفتگش را با لابر دو شتمال اما مر انا نشا نرفت. برقى آميخته در غرورد رچما نشا کبشت مکس نشا نشت رفت درخشيد گرفت. ما شرا چکا نده، شيشه قصاب فروريخت و سربيشانى اما محقره اى سايه نشست...

به تدريج اما با بهاي تشديد خا متا واضع کشور و گسخت هاى پى در پى، برخورد ما محتاطانه تر شد. نما بنده جمهورى اسلامى در سازمان ملل با سخ رسى ايران را چنين اعلام داشت: "نه مي پذيريم و نه در مى کشيم". ۲۰ شهر يور دبيرکل سازمان ملل به تهران سفر کرد، رفسنجانى شرط بايان جنگ را محکوم کرد و متجا وز اعلام کرد، بس از اينکه دبيرکل سازمان ملل، تهران را ترک کرد، با زهم نشيوسر لجا بت ورزيد: "متجا وز با بد تشنيه شود"، در شهر يور ماه ۶۶ کميته مرکزى سازمان به مناسبت آغاز هشتمين اسلحا اعلاميه اى منتشر کرد و خا هان اجراى قطعا به ۹۸ شوراى امنيت دريد.

هرا با برخورد هاى دوگانه و دفع لوقت در عرصه بين المللى، رژيم بسپج تازه اى دست زد. عظيم ترين بسپج. دا نشا آموزان در گردان هاى نظامى تقسيم شدند. آموزش نظامى دا نشا جويان اجبارى شد. ۷ شهر يور کا را اعلام کرد: کليمه کا رگران با يدهم سرباز و هم توليد کننده با نشد، تصميقات جديدى براى اعزام رگران به جيهه اى تخا نشد. ۲۲ آبان دستور العمل ۱۰ ماده اى شوراى عالى

نشتبائى جنگ، بسپج مالى و جاتى را وارد مرحله بنا زده اى کرد. همه با يده جيهه بروند، هر کس نمى تواند با يده عهده دار مچارچ يک نفر شود. خمينى اعلام کرد: "الزام است به همت همه افراد کشور هر چه سربخ تير يورى به دست آيد. ۸ اسفند يک روز پس از سخنرانى تحريك آميز خا نمه اى که: "هدف خود را جيهه و از طريق جنگ تا مين خوايم کرد"، جنايتکاران ته رنه رن مرحله جنگ آغازند، جنگ شهرها. ايران و عراق در آتش و خون فرورفتند، حملات موشکى، تهران و بغداد در زير و رو کرد. ۲۵ اسفند عراق حمله را بمباران شيمياى ي کرد، ۵۰۰۰ نفر قتل عام شدند. در اوج مسابقه خون و جنايت، خمينى بيشرا سه گفت: "مردم جوا نشا يسان را براى نيا دت بسزرگ مى کنند... فرق نمى کند شهادت با تانک با شيد، توب با نديا مود، اوجنا يتکا را نه فريا دبرآورد" "ما از فرود آمدن موشکها خندان مى شويم". جنگ وحشيا نه شهرها ۲ ماهه ادا مده اى فت. عراق ۱۹۰ موشک بقيه در صفحه ۳

درباره تبلیغات (۷)

اشکال پخش، شعارنویسی

درشماره گذشته سازماندهی و برخی اشکال پخش را مورد بررسی قرار دادیم. اینک در ادامه مطلب به اشکال پخش و شعارنویسی می‌پردازیم.

پخش مستمر

درپخش مستمر یا غیرضربتی، اوراق تک - تک درمحل های مناسب قرار گرفته و یا مستقیماً به دست مردم داده می شود. دراین شکل پخش، برای تیم مکان انتخاب وجود دارد و تیم می تواند ندیه کمک واحد حزبی خود، از میان خانه ها و مغازه های یک کوه یا خیابان یا از میان کارگران یک کارخانه، آنها را برگزیند که مخاطب اعلامیه اندو یا مستقیماً ذینفعند.

پخش غیرضربتی عموماً به وسیله تیم دوتفره ای صورت می گیرد که در آن یکی نقش مراقب را برعهده دارد و دیگری به صورت پیاپی ده، اوراق را از درودیوار به داخل خانه ها، مغازه ها و کارگاه ها می بریزد، دراطرافهای خوابگاه ها دانشجویی قرار می دهد، لای کتاب دانش آموزان می گذارد، دررختکن کارخانه یا بیمارستان درکمدهای انفرادی کارکنان می گذارد و...

وقتی غیرضربتی درمحل صورت می گیرد، موتورودوچرخه های تندسردو مناسب ترین وسایل نقلیه اند. دراین حالت فردمراقب دراطراف وسیله نقلیه باقی می ماند و عمل مراقبت را از آنجا انجام می دهد و عامل پخش درپایان کار به اولمحل شده با هم ازمنطقه دور می شوند.

برای گروهی که به کارتوده ای مشغول است و نمی خواهد پلیس را متوجه حضور و فعالیت خودکند، پخش غیرضربتی درسطح مخاطبان انتخاب خودکند، مناسب ترین شیوه کار است. دراین حالت، تیم پخش اوراق را فقط به دست کسانی می رساند که از قبیل شناسائی شده اند و نسبت به عدم همکاری آنها بیگانه و بیگانه و علاقه آنها به خواندن اعلامیه ها، مطمئن وجود دارد.

پخش غیر مستقیم

در اشکالی از پخش که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، گرچه امکان شناسائی عاملین پخش به وسیله دریافت کنندگان اوراق وجود ندارد، اما حلقه واسطی نیز میان این دو نیست. هرگاه بهین عامل پخش و دریافت کننده اوراق حلقه واسطی به این بیان شکل منظور شود، در آن صورت پخش را اصطلاحاً "غیر مستقیم" می نامند. پخش غیر مستقیم نیز می تواند "ضربتی" و یا "مستمر" باشد. با استفاده از مکانیسم های خودکار شبیه سازی، حرارتی، مکانیکی و الکتریکی می توان بین زمان گذشتن اوراق دریک محل و لحظه وارد شدن "ضربه پخش"، فاصله زمانی معین و کنترل شده ای ایجاد کرد و ضربات پخش را تنظیم کرد و افزایش داد. فرود کردن دسته ای اعلامیه درازگوزیک اتومبیل پارک شده، استفاده از بالون و بهره جویی از اتوبوس، کامیون و وانت بارهای دولتی و قطار، که درشماره گذشته بدان ها اشاره شد، از جمله نمونه های مشخص ایجاد فاصله زمانی فوق الذکر است. با اندکی ابتکار و آشنائی حداقل با فیزیک، مکانیک و شیمی، و با دقت در انبوهی از امکانات که در زندگی روزمره با آنها مواجهیم، می توان ده ها و صدها مکانیسم "تأخیر در ضربه" ایجاد نمود و همواره در خدمت پخش ضربتی غیر مستقیم به کار گرفت.

درپخش غیر مستقیم و مستمر عمده ترین حلقه واسط، شبکه پست دولتی است. از پست می توان جهت ارسال اوراق تبلیغی از خارج کشور به داخل، از شهری به شهر دیگر، پخش در شهر و نیز رساندن اوراق به جبهه ها استفاده کرد.

پخش پستی کار ساده ای است که هر فریبی به تنهایی می تواند انجام دهد. در پخش پستی اگر یک رشته ضوابط ساده رعایت شود، عامل پخش از ضوابط امنیتی بسیار بالاتری برخوردار می شود و این حسن اصلی پخش پستی است. عیب این شکل پخش آن است که حلقه واسط پستی، با از امکانات دشمن است بلیس سیاسی بر روی شبکه پست کشور و به ویژه پست خارج کنترل قابل ملاحظه ای دارد. در نتیجه، اولاد پخش اوراق به پست پلیس می افتد، ثانیاً - در پست کنندگان درخترشنا می به وسیله پلیس قرار دارند. برای آنکه پست اوراق حتی المقدور کمتر به دست پلیس بیافتد، لازم است که:

- تا مه های حاوی اوراق از نظر قطع وزن و حجم، شبیه نامه های عادی باشد.
- اوراق تبلیغی از پشت پاکت قابل تشخیص و رویت نباشد.
- نامه ها از صندوق های مختلف پست شوند.
- پاکت ها از یک نوع و متا به نباشند.
- خط پشت پاکت ها متغای باشد.

و برای آنکه ارسال اوراق به وسیله پست امنیت دریافت کنندگان را به مخاطره نیفتد، باید تا حد امکان از پست کردن اوراق به آن درس مستقیم کمانی که فعالیت پستی و گروهی دارند، پرهیز کرد. آن پخش از مردم که کم و بیش سیاسی بوده اما فعالیت مشخص تشکیل دهنده اند، مناسب ترین افرادی هستند که باید تحت پوشش پستی واحدهای پخش قرار گیرند.

در شرایط مشخص کشور ما، استفاده از پست برای رساندن پیام سازمان به کسانی که جبهه های جنگ هستند، اهمیت جدی دارد. دستپای بی تأدرس عناصر فعال ضد جنگ و آزادی اندیش ارتش، در میان پرسنل وظیفه و به ویژه پرسنل کار کارآسانی است و به این آدرس های می توان و باید اعلامیه ها و تراکت های سازمان در اطراف جابگن را پست کرد.

گرچه پخش پستی مهم ترین شکل پخش غیر مستقیم است، اما خطا است اگر آن را تنها شکل ممکن به حساب آوریم، به طور کلی می توان از تمام شبکه های توزیع، از عماد دولتی یا دولتی برای پخش اوراق استفاده کرد. می توان به امکان سازی تدریجی و برپا سازی مریزی شده از طریق قسمت بسته بندی واحدهای تولیدی و بزرگ، اوراق راهبردها که لایه ها به خانه های مردم فرستاد، همچنین می توان از امکانات موسسات حمل و نقل را برای توزیع نشریات به خدمت گرفت و قس علیهذا.

برای تحقق اهداف پیش بینی شده در کار پخش، انتخاب شکل مناسب اهمیت زیادی دارد. خلاقیت و ابتکار عمل واحدهای حزبی و تیم های پخش در گزینش اشکال مناسب نقش مهمی بازی می کند. آن شکلی از همه مناسب تر است که با صرفه بیشتر و دشواری و خطر کمتر، اهداف تعیین شده را با حداکثر رساندن متحقق سازد.

انتخاب یک شکل ثابت و شناخته شده و ندیدن امکانات تازه که می تواند در خدمت کشف و کار پست اشکال مناسب تر قرار گیرد، واحد حزبی را به درجه زدن می کشاند و به پلیس سیاسی امکان می دهد تا کار را ردگیری و احدا را به سولست دنبال کند.

پخش با بهره گیری از سازماندهی و اجرا شود که نه تنها هیچ برگسسی از اعلامیه به بند نرود، بلکه هر برگ اعلامیه به وسیله دهها نفر خوانده شود. تیم پخش نباید برای همیشه با پخش کامل اوراق را بردوش داشته باشد، بلکه باید در جریان کار و به یاری واحد حزبی خود، از میان کسانی که تحت پوشش غیر مستقیم و احدا قرار دارند، افراد مناسب را شناسائی کرده، بخشی از کار

پخش را با گذاشتن تعداد بیشتری از اوراق، بدانها واگذار و خود به مرور به یک واحد توزیع عمده اوراق تبدیل شود.

* * *

شعارنویسی

شعار، جمله ای عبارت کوتاهی است که فشرده مرکزی ترین ایده های ما را بیرون این بیان موضوع بیان می کند. از این رو مقدم بر موضع گیری های مشخص سازمان را باید با شعارهای بی شبهه مردمی انجام می گیرد که برودن شعارها به میان مردم، به شیوه ای متنوعی انجام می گیرد که شعارنویسی یکی از آنها است. شعارنویسی را می توان در اشکال زیراتجاسم داد:

- نوشتن شعار در قطع کوچک و یا ماژیک، عمل ساده ای است که به هیچ گونه کار رتدا رگاتی نیاز ندارد. سلاح این کار تنها یک عده ماژیک است که به هم همراه داشتن آن با ساده دلیل قابل توجه است. هوشیاری و موقع شناسی، در موقعیت کار رتشن جدی دارد و انتخاب محل مناسب عامل مهم دیگر است. در انتخاب محل باید به سه عامل توجه ویژه داشت: نخست امنیت نویسنده، دوم مدت زمانی که شعار در محل باقی می ماند سوم تعداد افرادی که درواحنه ای می توانند شعار را ببینند. به عنوان مثال صندلی اتوبوس شهری، حکیمان عمومی و دستوشی های عمومی از هر سه نظر مکان های با نسبت مناسبند. در این گونه اماکن نویسنده مکان مراقبت اطراف و توجه حضور خود را دارد، شعارو زها و گاه هفته ها می ماند و تعداد کسانی که در هر ساعت شعار را می بینند، نسبتاً زیاد است. در شرایط اختناق حاکم این شکل شعارنویسی کم خطر و عملی تر و ساده است.

مناسب از اشکال است. نصب برجسب، شکل دیگر شعارنویسی است. زیبایی برجسب سبب جلب توجه رتندگان می شود و بر شعار را افزایش می دهد. اما برای تهیه برجسب، به امکاناتی نیاز هست که در شرایط اختناق تدارک آن به سهولت میسر نیست. ضوابط کار نصب برجسب، مشابه ضوابط الصاق اعلامیه است که در شماره گذشته مورد بررسی قرار گرفت. به همراه داشتن دانشی برجسب و نصب هرگز آن عملی نادرست است و برجسب را باید در یک مدت زمان معین و با برنا مهری سزی قبلی نصب نمود. برای آنکه نصب برجسب در تاریکی به درستی انجام گیرد، لازم است آن را در تاریکی نامتقارن نظیر ذوقند و تیمداری طراحی نمود.

- شعارنویسی در قطع بزرگ و نیمه علنی امکان پذیر است. در شرایط ملطه ترورو اختناق این گونه شعارنویسی که در گروتداریک قبلی توقف نسبتاً طولانی در محل عمل است، کاری برخطر و کم صرفه به شمار می رود، به ویژه از این نظر که عمده این گونه شعارها نیز بسیار رگوتها است و عمل رژیم معمولاً به سرعت شعارهای بزرگ را پاک می کند. در عین حال این گونه شعارنویسی نظیر به خلعت نیرومند تهیه آنها، می تواند در شرایط ویژه و با هدف درهم شکستن یک جو روانی خاص مورد توجه قرار گیرد.

برای نوشتن یک شعار در قطع بزرگ، یک تیم چهار نفره از سرتربسب ها مناسب تر است. در این تیم، دو نفر به کار آماده کردن تا بلو (دیوار، درو، و...) نوشتن شعار می بردند و دو نفر دیگر وظیفه مراقبت از محل را عهده دار می شوند. شعارنویسی باید در شب انجام گیرد و محل باید به گونه ای انتخاب شود که روشن شدن هوا، در مدت زمان کوتاهی تعداد دکتیری بتواند شعار را ببینند. محل شعارنویسی باید از قبیل شناسائی شود و اشکال استندارد محل و قفسه را از آن دقیقاً مشخص شود. شعار باید در محلی نوشته شود که اطراف آن حتی المقدور خالی از شعارهای دیگر باشد تا توجه بیشتری را جلب نکند.

- نصب پلاکارد نیز همانند شعارنویسی در قطع بزرگ عمده تدریایست. فعالیت علنی و نتیجه علنی کاربرد در وضوابط کار نیز مشابه مورد قبیل است. نصب پلاکارد به دلیل آنکه عمل نصب می تواند به سرعتی بیشتر از شعارنویسی صورت پذیرد، کاری کم خطر و عملی تر است و در شرایط مساوی، بر شعارنویسی ترجیح دارد.

در شرایط اختناق نصب ضربتی پلاکارد های کوتاه، از ضربتی بیشتری برخوردار است. این گونه پلاکارد ها را می توان در ابعاد تقریبی ۵۰x۱۰۰ تهیه نمود و با قرار دادن جوب در یک انتهای آن و بستن طناب و وزنه به انتهای دیگر، پلاکارد را برای پرتاب آماده کرد و سپس در محلی مناسب وزنه را به سمت یک سیم افقی نظیر سیم تلفن یا برق پرتاب نمود تا در نتیجه تعادل وزنه و پارتجه به سیم تکیه گاه سیم، پلاکارد در معرض رویت عابری قرار گیرد.

- شعارنویسی با شابلون. این شیوه شعارنویسی در روزهای انقلاب بهمین وسیله به کار گرفته شد و در اندمان بسیار خوبی نیز داشت. تهیه شابلون از ورق آهن نازک، حلبی، مقوا، تخته و شابلون به سهولت امکان پذیر است. برای این کار کافی است که ابتدا شعار مورد نظر بر روی مقوا، حلب، تخته و... با خط زیبا خطاطی شود و سپس بوسیله اره آهن بر، قلم، اره، موشی، کارتیسیز و... شابلون ساخته شود. برای شعارهای پایداری می توان جنس مقوا را از حلب یا تخته برگزید، اما برای تهیه شابلون مناسب و مقوا هم می توان استفاده کرد.

ضوابط شعارنویسی با شابلون مشابه ضوابط الصاق اعلامیه به وسیله تیم سه نفره است. برای نوشتن شابلون "رنگ اسیری" مناسب ترین وسیله است. اما در صورت نبود اسیری می توان از اسطبل رنگ و برس نرم استفاده کرد.

- دستکاری در شعارهای دشمن: با اندکی دقت و دستکاری مناسب می توان بسیاری از شعارهای دشمن را به شعارهای علیه او بدل ساخت. مثلاً شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را که بر هر گوی و بر زنی نقش بسته است، می توان به شعار "جنگ جنگ تا نبودی..." تبدیل نمود و یا شعار "مرگ بر فداولایت فقیه" به سهولت به "مرگ بر ولایت فقیه" تبدیل می شود. این گونه دستکاری در اوراق واحدهم تبلیغ و هم فذ تبلیغی اند. در عین حال هزینه، زحمت و خطر چندانی ندارند.

* * *

با بیان یافتن بحث شعارنویسی، سلسله مقالات "درباره تبلیغات" نیز با بیان می گیرد. این مجموعه که بر اساس جمع بندی شعبه مرکزی تبلیغات از تجارب تا امروز سازمان تهیه شده، در عین حال که می تواند راهنمای فعالیت تبلیغی فدائیان خلق و دیگر مبارزان را در برگیرد و به جهت و جابگن تبلیغی قرار گیرد، نباید از آنجا که با تبارت از زها و زترشکمل کرده، ارسال گزارشات منظم از کم و کوفی فعالیت های تبلیغی به وسیله واحدهای حزبی و هوادار - که قطعاً در نظر داشت ضوابط امنیتی صورت می گیرد - به ما امکان می دهد که این مجموعه را تکمیل و تدقیق نمائیم.

آشنایی با

کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی

در پی تشدید تعرض و فشار کارفرما بر سراسر جهان، دولت‌های سرمایه‌داری و به‌ویژه اخصارات فراملی نسبت به اتحادیه‌های کارگری و حقوق و آزادی‌های سندیکایی که رگزان جنبش بین‌المللی سندیکایی، مبارزات به‌یاد مرکز تحت عنوان "کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی" نمود. این کانون بر اساس تقاضای با زده‌مین کنگره جهانی سندیکایی و به ابتکار اتحادیه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی و غیرسندیکایی در نوامبر ۱۹۸۷ به وجود آمد مرکز آن در پراگ است. انگیزه شکل‌گیری این کانون در این شرایط و وظایف و اهداف آن، موضوعی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. مبنای تشکیل این کانون، جنبش جهانی سندیکایی، ارگان فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری با نام ریوراموس، دبیر اجرایی این کانون است.

سؤال: امروز وضعیت حقوق سندیکایی در جهان چگونه است؟ شیوه‌های اصلی تخاصم و به حقوق کارگران کدام است؟

جواب: امروز حقوق و آزادی‌های سندیکایی در مناطق مختلف جهان به شکل مختلف مورد تخاصم قرار می‌گیرد. این تخاصمات، از وضعیت‌های نابسامان شیوه‌های نظارت بر کارگران، با زده‌مین، با عدم برابری و فعالیت سندیکایی (در کشورهای که فعالیت سندیکایی در آنجا ممنوع و یا شدیداً تحت کنترل است) گرفته تا محیلاته‌ترین شیوه‌ها نظیر تعطیل کردن واحدهای اقتصادی که از فعالیت سندیکایی سطح بالاتری برخوردارند، اخراج کارگران (کسبه) مانند دروازه‌ها (تحت نظر است)، تخلیه نمازگاه‌ها و کارگران از کار و غیره اعمال می‌شود.

امروز در کشورهای سرمایه‌داری ما شاهد یک تخاصم به‌یاد زوی کارفرمایان علیه حقوق کارگران هستیم که می‌توان آن را به صورت فشاری که بر شهروندان و نمایندگان سازمان‌های کارگری وارد می‌شود، محدود کردن حق اعتصاب و تفسیر قراردادها و دست‌جمعی به‌یاد بزرگ‌تر جمعیت نیروهای سرمایه‌داری، نشان داد.

تعرضاتی که از آغاز دهه ۸۰ توسط آمریکا، تحت عنوان بسیج برای ایجاد "یک محیط آزاد سندیکایی" صورت گرفت و هدف آن، برکناری انحلال اتحادیه‌ها در واحدهای اقتصادی و بخش‌های آزاد فعالیت سندیکایی، پیشرفته، بلکه جلوگیری از تشکیل سازمان‌های جدید در واحدهای تکنولوژی پیشرفته نیز در رند و همچنین با هدف بازداشتن شکل‌ها از دفاع از منافع کارگران بود. این تعرضات، متعاقباً توسط بسیاری از کشورهای اروپای غربی و ژاپن تقلید شد و امروزه با استفاده از طریق یک جنبش بسیج‌خیز سندیکایی، نیروهای وابسته به شرکت‌های بزرگ و دولت‌ها که در جهت منافع آنها کار می‌کنند، اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند: - از میان برداشتن مداخله‌گرانی که مانع از فعالیت سندیکایی است. - دست‌آموزان و دست‌آموزان کارگری به دست آمده است. - تمهیدات شکل جدیدی از تولیدات خصوصی از طریق تخلیه و بی‌ثباتی اشتغال، در جهت حل بحران با روری تولید و تضمین سود بیشتر برای سرمایه.

- شرکت‌های "دانش کارگران" مدیریت کنده به شرط آن که به‌یاد کارفرمایان باشد، محروم کردن کارگران از هرگونه دخالت در یافتن راه‌حل‌های برای معضلات اصلی اقتصادی و اجتماعی، لذا با بدگفتی‌ها، این بسیج ضد سندیکایی، سیاست "انتقام اجتماعی" همراه است. سیاستی که در پایان دهه ۱۹۷۰ به‌یاد تخاصمات شروع شد و هدفش لغو هرگونه بین‌دست‌جمعی خواست‌های کارگران در واحدهای اقتصادی و نیز در سطح کسب‌وکارها بود.

س: ممکن است مثال‌های مشخصی در بسیاری از شیوه‌های مختلف این "جهد" ضد سندیکایی ذکر کنید؟

ج: تخاصم مشترک کارفرمایان و دولت علیه حقوق کارگران، اولین و مهم‌ترین هدف تخاصم را متوجه اتحادیه‌های کارگری است که با ملامت تمام در مقابل سیاست‌هایی که در جهان سرمایه‌داری را و خیم‌تر می‌کند، ایستاده‌اند. مثلاً تخلیه‌های و مجازات‌های ناروا، بستن راه‌های ارتقا حرفه‌ای و غیره، نمونه‌هایی است از اقدامات خوارسازانه که به‌یاد توسط کارفرمایان فراملی علیه اتحادیه‌ها به‌یاد گرفته می‌شود. طبق اطلاعات تهیه شده توسط کنفدراسیون عمومی کار در فرانسه، طی یک رساله اخیر بیش از ۴۰۰۰۰ نماینده منتخب سندیکایی به‌یاد طریق ایستادگی در دفاع از منافع کارگران، از کارمعلق شده‌اند. در همین دوره، موارد "شکایست" کارفرمایان فراملی علیه اعضای اتحادیه‌ها در دروازه‌ها، تقریباً برابر شده و در موارد متعدد موارد تعلق از کار توسط سازمان‌های وزارت کار پذیرفته شده است.

در همان زمان تعرض علیه حق کارکنان

فرانسوی در زمینه‌ها عصب و آزادی‌های سندیکایی افزایش یافته است. در این رابطه، کانسون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی در سندی که اخیراً انتشار داده، خاطرنشان ساخته است که تنها در عرض یک دهه، از اواخر ژانویه ۱۹۸۷ تا پایان سپتامبر ۱۹۸۷ در فرانسه، ۱۸۴ تبعیض علیه حقوق سندیکایی کارگران بخش دولتی و ۴۴ مورد در بخش خصوصی صورت گرفته است.

در بریتانیا نیز، دولت محافظه‌کار رتا چمبر در مارس ۱۹۸۷، دفترچه‌های را منسوخ کرده در آن به تفصیل برنام‌های کنترل فعالیت اتحادیه‌های بریتانیا با هدف زیرک‌تر شده بود؛ نقطه‌ی بیان گذاشتن برای اجرای اصل "در هر موسسه یک سندیکا" و حق مذاکره در مورد قراردادها و دست‌جمعی. به علاوه دولت بریتانیا، قوانینی را در جهت حمایت از اعتصاب‌کنندگان و غیرقانونی کردن حق ایجاد "انستقامت اعتصاب" (بیکت)، توسط کارکنان اعتصابی و جلوگیری از ورود کارکنان به موسسات در حال اعتصاب، به‌زور تصویب رساند.

در آلمان فدرال، علیرغم مخالفت اتحادیه‌ها، با نداشتن کارکنان آلمان فدرال در سال ۱۹۸۵، ۱۱۶ قانون کار را لغو کرد. در این ماه تصریح شده بود که کارگرانی که مجبور می‌شوند به خاطر اعتصاب در کارگاه، موسسه یا رشته‌صنعتی دیگری کار خود را متوقف کنند، از استثنای فدرال کارگری حق فنی اعتصاب دریافت می‌دارند.

محدود کردن حق اعتصاب و لغو مساعده ۱۱۶ قانون کار به‌یاد کارفرمایان آلمان غربی، امکان دیگری جهت اعمال فشار مضاعف به اتحادیه‌ها در دوران "جانب‌زنی‌های دست‌جمعی" می‌دهد و به کارفرمایان اجازه می‌دهد که مداخلات اعتصابی را به‌یاد تسهیل و به‌یاد تسهیل در راه‌های کارخانه‌ها و کارگران منسوخ شوند.

در آلمان فدرال همچنین با یازده "منوع‌عبثت شغلی" نام برد که بر طبق آن دادگاه‌ها می‌توانند کارکنان کلیه خدمات عمومی را که فعالیت‌شان "متضاد با روح قانون اساسی آلمان فدرال" تشخیص داده می‌شود، از کار برکنار کنند. که این در واقع، شامل هر کسی می‌شود که موافق خلق‌ساز است و به‌یاد از حقوق کارگران دفاع می‌کند. صدها عضو اتحادیه به‌یاد طرد شده‌اند. فضا لین می‌باشد، قربانی‌های محرومیت از کار شده‌اند و هزاران نفر دیگر تحت مراقبت نیروهای امنیتی قرار دارند.

اما فرانسه، بریتانیا و کبیر آلمان فدرال، تنها کشورهای سرمایه‌داری نیستند که در آنجا حملات جدیدی علیه آزادی‌های اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد، در ایالات متحده، در کانادا، اسپانیا، ژاپن، کارفرمایان - با کمک دولت - سیاست‌های ضد آزادی‌های اقتصادی (خصوصی‌کردن، بی‌ثباتی شغلی) تلاش می‌کنند تا اتحادیه‌ها را از موسسات اخراج کرده و مانع شوند تا کارگران به‌یاد خواست‌های قانونی آنها، همچون دست‌مزد‌ها، اشتغال و شرایط کار و غیره گوش فرادهند.

س: امروز موقعیت در کشورهای در حال توسعه از نظر رعایت حقوق سندیکایی، چگونه است؟

ج: بدون شک، در این کشورها است که بیشترین تخاصمات وحشیانه نسبت به حقوق اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد. طبق مطالعات کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی، از اواخر ژانویه ۱۹۸۷ تا اواخر آوریل ۱۹۸۷ در کشورهای در حال توسعه، بیش از ۳۰۰ عضو اتحادیه به قتل رسیده‌اند و در حال حاضر ۴۵۰۰۰ نفر در زندان یا به‌یاد بند، در نقطه‌ها طرد شده‌اند که از حقوق خود استفاده کرده‌اند. تنها در کلمبیا، طی مدت‌های در سال ۱۹۸۷، مروج ترور کارگران به‌یاد ختم بود، بیش از ۲۰۰۰ نفر به قتل رسیدند که حدود ۶۰ نفر آنها از رهبران و فعالان اتحادیه‌ها بودند. همه آنها توسط قاتلان مزدور به قتل رسیدند. در "جوخه‌های مرگ" شوم، که توسط نیروهای نظامی و ارتجایی در این کشور، اجبر و حمایت می‌شدند. در آفریقا، بدون هیچ تردیدی، تا آنجا که به تخاصم آزادی‌های اتحادیه‌ها مربوط است، آفریقای جنوبی قافله‌سازان است (جایی که در حال حاضر صدها عضو اتحادیه‌ها طرد شده‌اند و تعداد در کشور، تحت بازداشت به‌یاد می‌روند).

در میان دیگر کشورهای که در آنجا، حقوق سندیکایی از زیر پا گذاشته می‌شود، کشورهایی هستند که در خاور نزدیک و آسیا قرار دارند: مثلاً، مناطقی عربی اشتغال شده توسط اسرائیل، بحرین و اندونزی، و همچنین که در ماه‌های اخیر توسط نیروهای اشتغال‌گزار اسرائیلی برای سرکوب اعتصابات و تخاصمات عمومی کارگران فلسطینی در ساحل غربی و نوار غزه به‌یاد گرفته شده، تفرقه‌ریزی را در سراسر جهان ارتکب می‌کنند.

در ترکیه، دولت فیرنظامی از اول، مطابق قوانین موهبه توسط رژیم نظامی در سال ۱۹۸۳ همچنین به‌یاد بزرگ‌ترین حقوق اتحادیه‌ها، ادامه می‌دهد. ۲۶۴ نفر از فعالین "دیسک" که به‌یاد زندانی طویل‌المدت محکوم شده‌اند، از دادگاه استیناف جهت بررسی مجدد دعوی آنها، تقاضای استیناف نموده‌اند که این دادگاه برای مدت بیش از هفت سال همچنان ادامه دارد.

س: امروز کارگران در آستانه یازدهمین سالگرد

بین‌المللی در دست‌آموزان توسط آن، خواستار رعایت آزادی‌های سندیکایی شوند و تخاصمات به حقوق آنها محکوم شود؟

ج: مقابله با تخاصمات سازمان بین‌المللی کارکنان رستخوار سازمان‌های و انستقامت‌ها در دهه‌های دست‌جمعی را مورد نظر قرار می‌دهد (موضوع در سال ۱۹۴۹)، حق کارگران در برخورداری از احزابیست کافی در مقابل اعمال تبعیض آمیز ضد سندیکایی در رابطه با اشتغال را به رسمیت می‌شناسد. در مقابل و نام‌ها شاره ۱۵۴ سازمان بین‌المللی کار و پیش‌برد قرارداد دست‌جمعی تصریح شده است.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

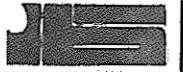
برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به‌یاد عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی‌که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌یاد خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست برودت‌فشار از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌یاد شکل.



از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج.ا.ش
طراحی چهره نوین سوسیالیسم

روز هفتم تیر ماه، نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو برگزار گردید. کنفرانس با شرکت حدود ۵۰۰ نماینده از کلیه سازمان‌های حزبی تشکیل شده بود و چهار روز ادامه یافت. روندتدارک کنفرانس نوزدهم که با قراربند نمودن سال پیش آغاز شد، با تحلیل‌ها، آرا، نظرها، انتقادات و پیشنهادهای فعالین حزبی، صاحب‌نظران و کارکنان در مطبوعات شوروی پیش‌رفت و با انتشار رتبه‌های کمیته مرکزی، موضوعات در دستور کار کنفرانس به بحث و طرح عموم مردم اتحاد شوروی گذاشته شد. و در سندهای گروهی، حوزه‌های حزبی، گفتمان‌های کار، مباحث اجتماعی به عرصه ملی گفتگوها تبدیل گردید. دفتر روزنامه پراودا به تنهایی بیش از ۷۵۰۰ نامته‌ها در ارتباط با نظرها و پیشنهادهای گوناگون دریافت کرد. در این رابطه علاوه بر سندهای بحث و سخنرانی رسمی، در نقاط مختلف اتحاد شوروی گروه‌های و کمیته‌های محلی به ابتکار حزب و مردم شوروی به علل و عناوین گوناگون برگزار شده که درخواست‌های خود را از کنفرانس و نمایندگان آن در آن بیان می‌کردند.

تنها سالین کنفرانس و تریبون آن، محل اظهار و بحث نمایندگان نبود آنها به کمک انواع رسانه‌های گروهی و کنفرانس‌های مطبوعاتی جنب کنفرانس، نظرات خود را برای زمی کردند. یکی از نمایندگان که کارگر فولاد بود، در رابطه با پیشنهاد کمیته مرکزی مبنی بر اینکه در باره هیچ نوع مسئله‌ای نباید با دورزن‌ها توافق می‌گردد، اظهار داشت: "من موافقم... من با هر دو دست رای می‌دهم. من دودوره‌ها را می‌بینم و شکر می‌خورم که برای ما دووم نماینده شورای عالی جمهوری فدرال شوروی هستیم. من می‌دانم چقدر مسا می‌م، خارج از شورا مردم تصمیم‌گیری واقع شده‌اند."

فقای کنفرانس به تصمیم مطبوعات شوروی و بین‌المللی از لحاظ آشکارا گویی و دموکراسی در ۶۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. نمایندگان به صراحت به انتقاد از زنگات مورد نظر در گزارش کمیته مرکزی می‌پرداختند و فرمول‌های جا بگزین خود را به کنفرانس پیشنهاد می‌کردند، "الیانوف"، رئیس هیئت مدیره اتحادیه هنرمندان تا تریبا پیشنهاد کمیته مرکزی در مورد اینکه دبیران کمیته‌های حزبی می‌توانند استعفا را برای دوره ۳ ساله سوم نیز به این بست انتخاب شوند، مخالفت کرد و خود ستار آن شد که در انتخاب شدن برای دور دوم مشروط به کسب دو سوم آراء، انتم لوزما در برابر برقراری دیگر شود.

مضمون گزارش کمیته مرکزی که توسط میخائیل گابریلوف دبیرکل حزب ابراه شد، بر اساس تظاهرات پیشنهادی این ارگان تنظیم شده بود. اما مرزهای آشکارا گویی‌ها و پیشنهادهای گزارش بسیار اثرگذار و جدی‌تر از حدت‌ها قرار داشت. گزارش کمیته مرکزی، اصلاح ساختار سیاسی کشور در میان مجموعه مسائل پیچیده موجود، مسأله‌ای کلیدی شمرده است:

"... سوسیالیسم که در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر بنا شده بود، در مرحله معینی در چارنا هتجاری‌های جدی گردید... شیوه‌های فرماندهی اداری مدیریت که در آن سال‌ها شکل گرفتند، بر ششون مختلف رشد و تکامل را معیسا تا ثیرات مملکتی بر جای نه‌اند، بسیاری از دشواری‌ها که هم‌اکنون بی‌سابقه آن روبرو هستیم، از این سیستم ریشه‌ای گیرند. تصمیمات کنکره سیستم حزب امکان‌ناهی برای غلبه بر تخلف از اصول لنینیستی زندگی حزب و دولت به دست می‌آید. لیکن این امکان‌ناهی قبل از هر چیز، در اثر شکست دادن و دست‌گرفتن دمکراسی سوسیالیستی، مورد استفا ده قرار گرفت... البته حجم وظایف و عملکردهای دولت سوسیالیسم نسبت به شرایط سرمایه‌داری بسیار گسترده‌تر است. اما مسأله باقی‌مانده بنیادین گزاران مارکسیسم-لنینیسم این گسترش وظایف اداری باید باشد از قبیل تشدید قدرت مکتبی بر مبنای اجبار و کسب پیش‌از همه از طریق فعال کردن عامل دمکراتیک و جذب توده‌های وسیع خلق به ادارات مسور، به دست آید."

گزارش برای آشکار کردن انحراف اصولی در این عرصه، یادآور می‌شود که لنین دولت سوسیالیستی را نه دولتی در معنای خاص کلمه می‌دانست، بلکه به حتی آن را یک "تیمه دولتی" می‌شمرده که به تدریج به خودگردانی اجتماعی بسدل می‌شود. اما پس از مرگ لنین دژتوری و برپا شدن یک پرچم‌خوردی نسبت به دولت دست با لایبیدا کرد که اتفاقا مبتنی بود بر معنای "گام" یعنی قدیمی این مفهوم.

در قضا معنای کنفرانس پیرامون دموکراتیک تیزه کردن جامعه شوروی و اصلاح سیستم سیاسی، جدا کردن کارگزاران حزبی و دولتی را مطلقا می‌نماید. نقش حزب کمونیست، به مثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه، و نقش دولتی به مثابه سازمان وسیله قدرت خلق، تشبیه گردید و تعیین کننده صلاح سیستم سیاسی را تا بین قدرت کامل شورا‌های نمایندگان مردم به مثابه اساس دولتمداری سوسیالیستی و خودگردانی در کشور تعیین نمود.

بنابراین به تصمیم کنفرانس، از این پس "ارگان عالی حکومت کشور باید کنکره نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باشد که در ترکیب آن علاوه بر نمایندگان جغرافیایی و ملی - جغرافیایی حوزه‌های انتخابی، نمایندگان معرف حلقه‌های اساسی سیستم سیاسی حزب، اتحادیه‌های صنفی، سازمان جوانان و دیگر محافل اجتماعی توده‌ای همچنین سازمان‌های تعاونی، هنری، علمی که به شیوه دمکراتیک در کنکره‌ها و پلانوم‌های ارگان‌های مرکزی شان انتخاب شده باشند، شرکت خواهند داشت. یکی از بخش‌های مهم و قابل توجه گزارش، "دمکراتیک تیزه کردن مناسبات بین‌المللی" است که مضمون آن از مدت‌ها پیش در سطح جهانی و به ویژه در جنبش جهانی کارگری و سوسیالیستی، بحث‌ها را جدی‌تر کرده است. این بخش با بررسی موقع و موضع اتحاد شوروی در حوزه مناسبات

بین‌المللی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تا شیدل زوم‌خشی کردن رفتار تجار و کارآنها میراث لیسیم، شیوه‌های فرماندهی - اداری را در این عرصه به نقد می‌گذرد: "مواردی بیش می‌آید که حتی مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در جمع کوچکی از افراد و بدون تجزیه و تحلیل همه‌جانبه جمعی و گاهی بدون مشورت با دوستان انجام می‌گرفت. این امر... حتی به تصمیمات اشتباه نیز منجر می‌شده... سپس ضمن تاکید بر درستی دست‌یابی به توده‌های با ایالات متحده آمریکا ادامه می‌دهد: "... اما با متورکز کردن همه توجه و توان ما ن روی وجه نظر منی تقابل با امپریالیسم، همیشه امکان‌ناهی سیاست‌های راکه در رابطه با تصمیمات بین‌الدین در جهان قرار می‌آید، در جهت تأمین امنیت کشورها گش شنج و در جهت تقاضا هم‌بند خلق‌ها به کار و نگر فترتیم، در نتیجه‌ها جا زده‌ایم به مسا بقصه تسلیماتی کشیده‌ایم. چیزی که نمی‌توانست برر شد و تکامل اجتماعی - اقتصادی و بر موقعبیت بین‌المللی کشور ما تا شیرنگذارد". تا جایی که "بدون دگرگون کردن چنین حرکتی، ممکن بود او قاعا در مرز رویا رویی نظای قرار گیریم". گزارش با مراجعه به اصل روش لنینیستی بر خورد منصف با شرایط شخصی مطرح می‌کنند که امروز "در مسا یل بین‌المللی نمی‌توان تنوع منافع را به حساب نیاورد. در نظر گرفتن این منافع عنصر مهم تفکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهد". آنگاه با آرا‌ها این حکم که "نظریه آزادی انتخاب در تفکر نوین مفا می‌کلیدی دارد"، توضیح می‌دهد: "در شرایطی که بودقی تمدن به مسا له‌املی، فراگیر و جهان‌شمول تبدیل شده است، ما به عمومیت این اصل برای مناسبات بین‌المللی با و ر ا رسم"

سند کمیته مرکزی گرایشات جهان مرزقرن‌های ۲۰ و ۲۱ را چنین توضیح می‌دهد: "غیرنظای شدن و اتسانی گشتن تدریجی مناسبات بین‌المللی، که سه سرانجام محل تقاضای پرشما در جهان و دست‌یابی به تسا دل منافع، محرک دولت‌ها نه مسا مدو پیشداوری‌های خود غرضانه، که خرد، دانش و موازین اخلاقی خواهند بود، که حتی حق هر کس در آزادی انتخاب به رسمیت شناخته خواهد شد. تا مین امنیت دولت‌ها هر چه بیشتر از عرصه‌ها سبب بنیه‌های نظای به عرصه‌های سیاسی و اجرای اکتیویدات بین‌المللی منتقل خواهد شد، سیستم جامع امنیت بین‌المللی به طور عمده از طریق ارتقاء نقش و شریخی سازمان ملل متحد شکل خواهد گرفت."

در خدخال آسای بنیه علمی - فنی به گونه‌ای متحدانه‌تر برای حل مشترک مسائل جهانی اقتصاد، محیط زیست، انرژی، خواربار، بهداشت و غیره به سودتای شریعت به کار گرفته خواهد شد. - مراد متنوع و دای و طلبا خلق‌ها و کشورهای مستقل به گونه‌ای مطمئن در خدمت غنا بخشی متقابل مادی و معنوی آنها قرار خواهد گرفت و با نت صلح عمومی را تحکیم خواهد نمود. گزارش کمیته مرکزی اشعار می‌دارد که: "اموضع عراضر ما کوشش کردیم ا به پیوند متقابل منافع پرولتری - طبقاتی و عموم بشری راکه از ابتدا در ما ر کسب می‌گذازی شده بود، هر چه زودتر تشبیه‌ها نمائیم، این امر ما را به نتیجه‌گیری اولویت ارزش‌های عموم بشری در عصر ما رسانید. هسته تفکر نوین سیاسی هم‌اکنون است."

در گزارش حذکونشی شریخی روندهای نوین بین‌المللی را نیز مورد مناسبات بین‌المللی، کار طریشا می‌شود که اکنون "محور زندگی بین‌المللی جای می‌شود. از قبال به همکار رتوفا هم... و در پاسخ به این سؤال که آیا توفیق یافته‌ایم خطر جنگ را دور سازیم؟" جواب داده می‌شود "آری، بی‌شک تردید"

گزارش حذکونشی شریخی روندهای نوین بین‌المللی را نیز مورد از برای قرار داده است: "با سرچشمه‌های امپریالیستی تجار و زوج شک زده‌اند؟ خیر... و معتقدیم که هنوز تصمیم‌گیری‌ها برکت‌ناپذیری روندهای تازه شکل نگرفته است. اتفاقا همین تفکر نوین سیاسی امکان می‌دهد که مناسبات تازه مفا بله‌ها سیاست زور را بر پایه سیاسی وسیع‌تری از گذشته ببینیم و ببیند کنیم. این امکان‌ناهی و عوامل عینی جدیدی که در نتیجه دوم قرن حاضر پدید آمده‌اند، ر به تحکیم می‌روند". در رابطه مفا یالیت حزب، در قضا مفا یالی کنفرانس آمده است که: "دمکراتیک تیزه کردن عمیق فعالیت‌های حزب"، "بحث آزاد در مرحله برررسی مسائل و عمل‌ها منک بس از تصمیم‌گیری"، ایفا نقش پیش‌رو در بازی و نوای جا معهرا برای حزب ممکن می‌سازد.

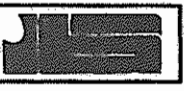
در راستای دموکراتیک تیزه کردن زندگی حزبی، به تصمیم کنفرانس، تمسک ارگان‌های انتخابی حزب تنها برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند و هر دو سال با سه‌سال نیز کنفرانس برای انتخاب مجدد تا ۲۰٪ اعضای ارگان زور، برگزار خواهد شد. همچنین مقرره‌ها مفا ای اعضای دفاتر دبیران کمیته‌های حزبی، همه‌اعی دفتر سیاسی کمیته مرکزی و دبیرکل کمیته مرکزی، تنها مفا می‌توانند برای دفترها انتخاب شوند". تشبیه این ترتیب از سونی ماسع سوا استفاده از مفا‌های حزبی و سرورکیش شخصیت و از سوی دیگر افزایش مسئولیت انتخاب شدن در برابر انتخاب کنندگان خواهد بود. کنفرانس، مفا رزه مفا و مفا طعا نه‌ها به پیوسته مفا گش جم دستگاه اداری را موردتاید قرار داده و اقدامی برای حل مشکلات موجود در روابط بین ملیت‌های شوروی را به کمک بررسی علمی تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در این زمینه پیدا شده، جز و طایف ضروری حزب دانست.

کنفرانس به عنوان تیرخی اقدامات بلادرنگ... اولاً مقرر کرد که تا قبل از پایان سال جاری، انتخابات ارگان‌های حزبی انجام شود و سازمان مجدد دستگاه حزب و تغییرات لازم در ساختار آن با تکیه بر تصمیمات کنفرانس مبنی بر جدا شدن کارگر حزب و شورا‌ها تا آن زمان پایان یابد. و ثانیاً شورای عالی اتحاد شوروی را فرار خواهند در اجلاس عادی آینده خود برای بازسازی شورا‌ها، تمهیدات لازم را به عمل آورده تغییرات لازم را در این راستا در قضا مفا اساسی وارد کنند و از طرف دیگر، ترتیبات لازم جهت برگزاری انتخابات را برای تشکیل کنکره نمایندگان خلق در آوریل سال آینده آغاز کنند. به علاوه انتخابات شورا‌ها در ماطوح دریا شیز سال آینده با بدیگر از شود.

دیکتاتور و تفویض آن به نیروهای دمکراتیک جامعه قرار داده‌اند. موج اعتراض علیه محاکمه هریران کمونیست ترکیه و همیستک با آن‌ها به مفا به دفاع از نامین دمکراسی و عدالت در کشور ترکیه است. هر چه گسترده‌تر کردن این اعتراض و تقویت همبستگی یک وظیفه انقلابی است. ما باید رگبیا زداست، شکنجه و محاکمه هریران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی آنها هستیم.

معرض خطرا عدم قرار دارند. اقدامات سرکوبگرانه علیه کردها و میارزان و نیروهای سیاسی خلق کرداد ما را تهدد، و خیرا موزج دستگیری‌های جدید می‌رسد. محاکمه حیدر کوئلو و نییست سا رگین، دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در جنبش شرایط اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد. به ویژه این که این دو حزب با پیشردا موجود و آرا‌ها سه برنا مفا استراتژی مشترک نوین، هدف خود را خارج کردن ابتکار سیاسی از دست رژیم

رژیم ترکیه... بقیه از صفحه ۱۰ به بسیاری از حقوق صنفی و دمکراتیک شناخته شده است. در سال‌های اخیر، سبک‌گسترش را با طبیعتی و اعتراضات مردم به ویژه کارگران گردیده است. علیرغم اعلام تعهد رژیم برای تأمین دمکراسی‌های بورژوازی به انگیزه رورود به بار و رمتورک، هم‌چنان احزاب انقلابی و مترقی غیرقانونی هستند. گزاران زندانی سیاسی در شرایط نامناسب در زندان‌ها، سازمان‌های ترکیه به سومی برند. نزدیک به ۱۹۰ نفر زندانی مخالف دیکتاتور توری که هر یک محکوم شده‌اند.



افغانستان :

چشم پراه آینده صلح آمیز

بیش از ۲ ماه است که از انعقاد قرارداد توافق ژنو پیرامون حل مسئله افغانستان می‌گذرد. طرفهای افغانستان و اتحاد شوروی در راه اجرای این قرارداد، برای پایان دادن به جنگ و بازگرداندن صلح و آرامش به افغانستان، بلافاصله تعهدات خود را به مرحله اجرا گذاشته اند. خروج مرتب نیروهای شوروی طبق برنی نامه همچنان ادامه دارد و دولت افغانستان نیز برای مدت علیرغم مشکلات، همه مساعی خود را به کار گرفته است. ولی ضد انقلاب افغانستان که توجیه مخالفت ها و دشمنی خود را علیه دولت و مردم افغانستان از دست داده است، به خشم آمده و به عملیات ایذائی و دیوانه‌واری روی آورده است. روزی نیست که خبر از انفجار بمب و پرتاب موشک به نقاط مسکونی، از افغانستان به گوش نرسد. شهرکابل این روزها هدف موشک‌های نیروهای ضد انقلاب است. ضد انقلاب، گروه‌گروه از مردم بیگناه افغانستان قربانی می‌گیرد.

پای بندی اتحاد شوروی به قرارداد ژنو و اجرای مسئولانه آن، نیروهای "اشغال‌گزار" به تنگنا پیوسته است. برخی از نیروهای اشغال با سیاست‌های افراطی ترقی موانع نیستند و اختلافات معینی با آنها برآزمی دارند. این نیروها بیشتر سیاست‌گراستن از عملیات مسلحانه و کشتار و در پی بیگبازی‌ها می‌گذارند. برای گرفتن امتیازات مورد نظر را دنبال می‌کنند. در حالی که بخش افراطی تر اختلاف کلیدی بین حکمت‌رایی از سران این بخش است با داعیه برقراری حکومت اسلامی و برخورداری از حمایت بی دریغ آمریکا و روابط آشکار با آن، همچنان بر ادامه کشت و کشتار راجع می‌ورزد و به عملیات جنون آساست می‌زند. خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز مردم‌داری کوجه‌وخیا بان را هدف بمب و راکت قرار داده است. این بخش می‌خواهد با گسترش آراء و به وجود آوردن ناآرامی در پارتیخت و دیگر مناطق از ادامه بودن دعاوی سازی وضع جلوگیری کند و توافق ژنو را به شکست بکشد.

ضیاء الحق دیکتا توپرا کستان نیز که از مافی قراردادنا خوستد است، نه تنها تا کنون اقدامی در راه انجام تعهدات خود صورت نداده، بلکه انتقال محموله‌های بزرگ اسلحه به گروه‌های ضد انقلاب افغانستان را از طریق خاک پاکستان تشدید نموده است. ضیاء الحق با انجام شبه‌گودت و برکناری دولت "چونجو" عملیات‌دزدی از زمان تعیین اجرای قرارداد ژنو را از سر راه خود برداشته است. کار رکنی‌ها و شرارت‌های پاکستان در راه اجرای قرارداد که به پشتیبانی آمریکا صورت می‌گیرد، مشوق عملیات خرابکارانه نیروهای ضد انقلاب است. علاوه بر این رژیم ضیاء الحق دولت آمریکا برای توجیه غیرمسئولانه عدم رعایت تعهدات ژنو و فرار از اجرای آن، علیرغم خروج مرتب و طبق برنی نامه نیروهای شوروی، شبیگانه به دروغ ادعا می‌کنند که گویا روند خروج قوا متوقف شده و اینک تعدادی از آنها دوباره به خاک افغانستان رجعت داده شده اند. در این رابطه دولت اتحاد شوروی به دولت پاکستان هشدار داده و دروغ پرانی‌های آن را تکذیب کرده و از دولت پاکستان یاد استاده است به آنچه که تعهد کرده عمل کند و دولت آمریکا را نیز که یکی از طرفین نامن اجرای موافقت نامه ژنو است به اجرا و بیگبازی آن فراخوانده است. از زمان ملل متحد نیز خواسته است که به تلاش‌های خود در راه اجرای قرارداد بیفزاید. اما محامیان ضیاء الحق از ضد انقلاب و عدم تمکین آن به اجرای موافقت نامه ژنو و بی‌بزه تحریکات ما در جویا شده آمریکا، سبب نگرانی بی‌مقارل بین المللی از جمله سازمان ملل متحد شده است. مردم افغانستان، خسته از جنگ، چشم‌پراه آینده‌ای صلح آمیز مبارزه می‌کنند.

منتشر شد :

شماره نخست از مجموعه "مسایل اقتصادی جهان معاصر" توسط انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) منتشر شد. در این مجموعه مطالب زیر را می‌توانید:

- ۱- کاپیتال و جهان معاصر
- ۲- وظایف حزب کمونیست اتحاد شوروی برای نوسازی اساسی مدیریت اقتصاد
- ۳- سرما به داری در دنیای به هم پیوسته
- ۴- اقتصاد غرب بر سر دوراهی
- ۵- درک تضادهای ژرف
- ۶- سرمایه‌داری در تنگنای بحران ساختاری
- ۷- تمرکز تولید و سرمایه‌داری در سالیهای ۱۳۵۰-۱۳۶۰

جنگ از زبان آمار

هشت سال جنگ برای مردم ایران به چه قیمتی تمام شد؟ آیا میتوان بر آن همه در درونج و خون و ویرانی قیمتی زد؟ آیا میتوان برای جان مدها هزارانسانی که در آتش این جنگ پلید سوختند و بهایی تعیین کرد؟ تلفات و ضایعات، رنج و درد و آسوبه فشارهای مردم ایران را با هیچ آمار نمی‌توان نشان داد. نگاه به آمار تلفات و ضایعات تنها می‌تواند گوشه‌ای از آن چرا که خمینی جنا بیکار با مردم میهن ما کرد، آشکار سازد.

طرف هشت سال جنگ : حدود ۱۰۰۰۰۰۰ نفر از مردم ایران قربانی شدند. اهداف شوم و کثیف دیکتاتورچما را و صداجنا بیکار شدند. بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر سلامتی خود را از دست دادند و سایر شوم‌عقربیت جنگ برای همیشه زندگیشان باقی ما تسد.

۲۰۰۰۰۰۰ تن از همیپنا نمان خانوگا شانه خود را از دست دادند و از شهر و روستای خود آواره شدند. تنها تا شهریور ۶۴، ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران شدند. هزینه مستقیم جنگ سالانه برای روستا ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است. هشت سال جنگ حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد موانع کشور را بلعیده است.

با ۵۰۰۰۰ میلیارد تومان می‌شد: حدود ۲۰۰ مدرسه برای ۲۰۰ میلیون دانش آموز ساخت. ۷۰۰۰۰ بیمارستان مجهز، یعنی برای هر ۷۰۰ نفر مردم ایران یک بیمارستان، بنا کرد. برای همه مردم کشور خانه‌های نیم میلیون تومانی احداث نمود.

نزدیک به ۲۵ سال در آمدت لازم است تا ویرانی‌های ناشی از جنگ جبران شود و کشور ما بار دیگر به سطح سال ۵۹ برسد. هیچ کس در چنان اما قادر نیست غمناک شده آن پدران و مادرانی را که صبح دختر کوچکشان را با هزاران آرزوی مدرسه فرستادند و ظهر قطعات بسیار هم را در آرزو از آنها ویرانه‌ها جمع کردند، آلتیسم بخشند، از این پدرها و مادرها قرا وانند. قریب به یک میلیون! خمینی با بدیهان پدران و مادران و به همه مردم ایران پاسخ دهد برای چه هفت سال میهن ما را در آتش جنگ سوزانند؟

رژیم ترکیه پای میز محاکمه

قریب ۷ ماه پیش، رفقا حیدر کولونوئیست یارکین دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه که برای تأمین فعالیت قانونی احزاب خود در راه نامتدمکراسی برای ترکیه از مهاجرت به کشورهای جمت می‌کردند، در فرودگاه آنکارا توسط ما مورین رژیم ترکیه با زدن تیر و زدن پستان گردیدند. علیرغم توطئه سکوتی که رژیم دیکتاتور ترکیه طی این مدت در راه بطع این بازداشت به عمل آورد، بسیاری از احزاب و محافل و شخصیت‌ها از سران جهان در پیگرا وسیع برای آزادی و دفاع از رهبران کمونیست ترکیه مشا راکت فعال داشتند. علاوه بر احزاب کمونیست و کارگری بسیاری از احزاب دموکرات و احزاب بورژوازی کشورهای اروپائی و حتی مقامات دولتی این کشورها به این کارزار پیوستند و خواهان آزادی آنان شدند. ماه گذشته رژیم ترکیه محاکمه رهبران کمونیست، به همراه تعداد دیگری از اعضای احزاب کمونیست، داد نمود، دادستان دادگاه در کفرخواست خود با ابراداتیها مات عیدیه، برای آنان درخواست شد مجازات نموده است.

بسیاری از کولای مدافع و چهره‌های سرشناس ترکیه و دیگر کشورهای از همان روزهای اول دستگیری اعلام کردند که دفاع از رهبران کمونیست ترکیه را به عهده می‌گیرند. تا کنون تعداد کولای مدافع در دادگاه به بیش از ۶۰۰ نفر رسیده است (در قرائن ترکیه دیکتاتور محدودیتی از نظر تعداد و کویل مدافع برای دفاع در دادگاه وجود ندارد). همزمان با محاکمه دهها هزار کارگر راجانجات در شهرهای آنکارا و استانبول و آدانا و کارگران نفت و پالایش و راه آهن برای دستگیری خواهی‌های صنفی دست به تظاهرات و کمکاری زده‌اند. در طول چند ماه اخیر شما رکنییری از زندانیان سیاسی ترکیه برای بهبود وضع زندگی در زندان، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. حمایت از مقامات زندانیان سیاسی ترکیه

به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم

هما نگونه که در "گار" فروردین ماه اعلام کردیم، ۷۰ تن از زندانیان سیاسی کشوردر بیدادگایهای رژیم به اعدام محکوم شده‌اند. در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۷ سخنگویان شورا عالی قضایی در جریان یک برنامه تلویزیونی اعلام کردند که حکم اعدام ۲۷ تن از "ملحدین و تروریست‌ها" درموردنا بیدقرا گرفته و برای اجرا ابلاغ گردیده است. این خبر را در دیوروزنامه‌های رژیم متعسف نکردند و ۱۰ روز پس از آن، رفیق سق انوشیروان لطفی را همراهِ ۲ مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق ایران و اتحادیه کمونیست‌های ایران به جوخه اعدام سپردند. متعاقباً این جنایت را در جومهوری اسلامی در ۲۴ تیرماه اعلام کرد که ۱۱ تن دیگر از انقلابیون سیرتیریران شده‌اند. رژیم خونخوار خمینی می‌خواهد بقیه این مبارزین را نیز در دسترسده جوخه‌های مرگ بسپارد. خطر تیریران تعداد زیاد دیگر زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) با دیگر همه نیروهای آزادیخواه و سازمانهای انقلابی را به بیابان زره مشترک برای نجات جان این عزیزان در بندند فراموشی خواند. باید با تشدید کارزار اعتراضی در داخل کشور و سران جهان رژیم جمهوری اسلامی را از ادمایبسن جنایات بازداریم. ما از همه دولت‌ها، احزاب و مجامعی که برای آزادی و حقوق بشر احترام قائلند می‌خواهیم که رژیم کما بر ایران را برای قطع کشتار زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند.

همزمان با این کشتارها، از اسباجالیهای رژیم خبری رسد که فشار بر سیران اسیرما تشدید شده است. در این اواخر زندان اوین سردیدند ابتدا ترین حقوق انسانی، زندانیان دست به اعتراض می‌زنند. جلادان رژیم در پاسخ به اعتراضات و ابتدائی ترین خواسته‌های آنان، به ضرب و شتمشان می‌پردازند، اکثر آنها را به سلسول انفرادی منتقل می‌کنند و ملاقات با خانواده‌ها یشان را قطع می‌کنند.

اکنون هزاران زندانی سیاسی در حالی که مدت محکومیشان به پایان رسیده، همچنان در زندان به سر می‌برند و بلا تکلیفند. برخی از آنها اکنون جبارسال گز که می‌هیج بیانه‌های در زندان نگهداری می‌شوند. گز که می‌خمینی از آنها می‌خواهد که به جاسوسی و همکاری با مقامات امنیتی تن دهند و از مان‌ها و عقایدشان تبیری جویند. بدان غده سریحا اعلام شده است، تا زمانی که مسئولین زندان از توبه آنها عطا مطمئن شوند، رنگ آزادی را هم نخواهند دید. مبارزینی که تنها "جرم" شان دگراندیشی و دفاع از حق و عدالت است، اسبایا با احکام غیرقانونی و غیرانسانی دادگاه‌های آخوندی، زندانیای مخوف رژیم را تحمل کرده‌اند و اینک بس از طی محکومیشان نیز آزادی می‌شوند. از خانواده‌های این زندانیان می‌خواهیم تا مراجعه به ارگانهای مختلف و سازمانهای بین المللی، رژیم را برای آزادی بی‌درنگ درک فرزندان اسیران تحت فشار بگذارند و حقوق انسانی از اذیت‌ن برسان تا مین کنند. از همه شخصیت‌ها و سازمان‌های آزادیخواه میهن مان دعوت می‌کنیم تا با اقدام مشترک و راه مشخصات این میهن برستان آزادیخواه به ما معین مللی سازمانهای حقوق بشر، برای آزادی بی‌درنگ آنها تلاش کنند.

کده‌ها طرازا نادیدنی و عدالت خواهی در اسارت به سر می‌برند و نیز دادگاه رهبران کمونیست ترکیه که رژیم دیکتاتور ترکیه را به محاکمه می‌کنند، با مبارزات فشرده کارگران کا رخا نجات در هم می‌فخته است.

بدنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ تا کنون، نما بندگان نظامی و غیرنظامی بورژوازی انحصاری چه‌ب‌شیده‌اند و روشن شده‌است شیتسی و چه در پوش رژیم پارلمانی، زندگی سختی را بر مردم ترکیه و نیروهای سیاسی انقلابی و دمکرات ترکیه تحمیل کرده‌اند. بحران اقتصادی مالی و اداری ترکیه با قرض بیش از ۴۰ میلیارد دلار به ارج نیز بیشترین فشار را بر طبقات کم‌درآمد و بی‌بزه کارگران و کسانیکه در آمدن با بی‌داری دارند، وارد می‌کند. کا هن جیم مبادله تجاری ترکیه و ایران که برای ترکیه از اهمیت جدی برخوردار است، سبب ورشکسته شدن بسیاری از شرکت‌ها از جمله شرکت‌های حمل و نقل شده است. طی شش ماه اول سال جاری مسیحی قیمت‌های بخش اعظمی از کالاهای ضروری با ۳۰ تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. ونرخ تورم واقعی به رقمی بالاتر از ۱۰۰ رسیده است. وضع نامسا من زندگی و معیشت، و تنها جرم رژیم بقیه در صفحه ۹

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!